

آموزش زبان فرانسه مبتدی



آموزشگاه زبان ملل

حروف الفبای زبان فرانسه و تلفظ آنها

زبان فرانسه ۲۶ حرف دارد که به چهار نوع، یعنی حروف چاپی بزرگ و کوچک و حروف تحریری بزرگ و کوچک تقسیم می شود. در اینجا حروف چاپی بزرگ و کوچک و تلفظ آنها آورده شده است.

Les majuscules typographie

L	M	F	G	H	I	J	K	A	B	C	D	E
آ	ب	ت	د	اُ	اِف	ژ	آش	ای	ژی	کَ	اِل	اِم
Z	U	V	W	X	Y	O	P	Q	R	S	T	N
اِن	اُ	پ	کو	اِف	اِس	ت	نو	و	دوبل و	ایکس	ایگ رک	زد

دریافت فایل صوتی

حروف صدادار Voyelle

حروفی هستند که به تنهایی و مستقل تلفظ می شوند. این حروف عبارتند از : a , y , u , o , e , i

اگر در وسط جمله، در آخر کلمه قبل از حرف e یک Consonne (حرف بی صدا) باشد، بعد از آن حرف H یا یک از حروف صدادار باشد حرف e تلفظ نمی شود.

école une
université grande
homme autre

حروف بی صدا Consonnes

حروفی هستند که بدون دخالت حروف صدادار، تلفظ نمی شوند و شامل بیست حرف باقیمانده است.

توجه : برای دانلود فایل های صوتی تمرین تلفظ، [اینجا](#) کلیک کنید

تلفظ در زبان فرانسه Prononciation De La Langue Française

حرف A :

این حرف اگر با حروف مختلف ترکیب شود صدای ویژه ای می دهد.

ai	صدای اِ	Lait	لِ
au	صدای اُ	Jauge	ژ وژ
eau	صدای اُ	Manteau	مانتو
ay	صدای ای	Payer	پِ ی
ail	صدای آی	Travail	تِ قِ وِ ی

حرف A در ترکیب با حروف M و N صدای (آ) می دهد که به صورت تو دماغی تلفظ می شود.

Ange : اَنژْ
Ample : آمپْلْ

ترکیب ai قبل از حروف M و N صدای (آ) می دهد و به صورت تو دماغی تلفظ می شود.

Pain : پَـنَـ
Faim : فَـمَـ

اگر بعد از آن حرف E باشد تلفظ می شود.

Laine : لَـنَـ

حرف C :

C همیشه صدای (ک) می دهد

Sac : سَـکَـ

c در جلوی حروف (y , i , e) صدای (س) می دهد.

Ceci : سَـسِـ

اگر در جلوی آن حرف h باشد صدای (ش) می دهد.

Machine : مَـشِـنَـ

اگر قبل از آن حرف T باشد صدای (چ) می دهد.

Tch صدای چ

حرف E :

صدای کوتاه ا می دهد در ترکیب با حروف دیگر تلفظ ویژه ای دارد.

Er , Es , Et :	صدای اِ	Aller	آلِ
Ei :	صدای اِ	étoile	اِـتو آـلِ
		Est	اِـ
		Peine	پَـنَـ

در ترکیب با صدای U صدای E کشیده می شود.

Bleu پَـلُـ
Heureux اُـقُـ

در ترکیب با N و M صدای (آن) می دهد.

Emprunter اَمْرَـپَـنَـتَـ
Entrer اَنْـتَـرَـ

در ترکیب با حرف Z صدای (اِ) می دهد.

Nez نَـ
Avez اَوَـ

اگر E دارای علامت باشد صدای (اِ) می دهد. (è و é و ê)

Père پِ قُ
Tête تِ تِ
Télévison تِ لِ وی زی یُن

حرف D :

در جلوی حرف J حرف D تلفظ نمی شود

Dj دِ جِ
Djinn دِ جِ نِ

حرف G :

همیشه صدای (گ) می دهد.

Cigare سی گِ

پس از حرف G اگر حروف (I و Y و E) بیاید صدای (ژ) می دهد.

Gigot ژِ گِ
Garage گِ قِ
Gymnastique ژِ مِ نِ سِ تِ کِ

اگر بعد از آن حرف N بیاید صدای (نی) می دهد و G تلفظ نمی شود

Espagnol اِس پَ نِ اُل

حرف H :

حرف H هیچگاه تلفظ نمی شود

حرف I :

اگر بعد از حرف I حروف M و N به تنهایی قرار گیرد صدای (آن) می دهد ولی اگر بعد از N و M حرف صداداری بیاید دیگر صدای (آن) نمی دهد و به صورت معمولی خوانده می شود.

Chemin شِ مِ نِ
Lapin لِ پِ نِ
Lapine لِ پِ نِ

حرف O :

صدای (اُ) می دهد. در ترکیب با حرف U صدای (او) می دهد. همچنین در ترکیب با I صدای (او آ) می دهد.

Tôt تِ
Chou شِ
Moi مِ

صدای ترکیبی :

PH صدای (ف) می دهد

Téléphone تِلِفُونُ

حرف Q :

حرف Q با ue صدای (ک) می دهد.

Chaque شَكُّ

در دو واژه فرانسه استثناء بعد از Q حرف U نمی دهد.

Cinq پَن كُ
Coq كُك

حرف S :

حرف S همیشه صدای (س) می دهد.

Poste پُست

اگر حرف S بین دو حرف صدادار قرار گیرد صدای (ز) می دهد.

Rose رُز

حرف R :

R در فرانسه صدای (ق) می دهد

Merci مِقْسِي

معمولا هنگامی که حرف T بعد از R قرار می گیرد صدای (خ) می دهد.

Verte وِرْت

صدای ترکیبی :

ILL و EILL به ترتیب صدای (ای) و (ئی) می دهند.

Fille فِی
Oreille أُفْرِی

صدای ترکیبی :

Tio در زبان فرانسه صدای (سی) می دهد.

Félicitations فِلی سی تَسی یُن

نکته آخر :

شما کاراکترهایی را با خطوطی در بالا و پایین حروف دیده اید و حتما می پرسید پس اونا چی هستند؟! در واقع اونها حرف نیستند بلکه Accents هستند و یکی از مهمترین تفاوت های انگلیسی و فرانسه در نوشتار را ایجاد می کنند.

Accent ها معمولا برای حروف صدادار هستند. گاهی اوقات Accent ها تلفظ حرف صدا دار را عوض می کنند و گاهی نه. تعدادی از Accent های حرف e را در زیر مشاهده می کنید:

é (aigu accent)

è (grave accent)

ê (circumflex accent)

ë (diaeresis accent)

البته Accent ها همیشه برای حروف صدادار نیستند و شما ممکن است به چیزی مثل این هم برخورد کنید:

ç (The cedilla)

دستور زبان فرانسه

Grammaire

دستور زبان مجموعه قواعدی است که از طبیعت زبان بر می خیزد ، و برای کاربرد درست آن آموخته می شود. یکی از تفاوت هایی که قواعد زبان فرانسه با انگلیسی و فارسی دارد در این است که در زبان فرانسه ، شکل افعال برای مذکر و مونث متفاوت است. در اینجا سعی شده است تا به نکاتی اشاره شود که بسیار پر اهمیت و همچنین برای یادگیری زبان فرانسه ضروری می باشند

در ابتدا به معنی کلمات زیر توجه کنید:

je : من	tu : تو	il : او (مذکر)	elle : او (مونث)
nous : ما	vous : شما	ils : آنها (مذکر)	elles : آنها (مونث)

دریافت فایل صوتی

توجه : برای دانلود فایل های صوتی تمرین تلفظ، اینجا کلیک کنید

صرف فعل (بودن) être

ما هستیم	nous sommes (نو سوم)	من هستم	je suis (ژ سوی)
شما هستید	vous êtes (وو زت)	تو هستی	tu es (تو ا)
آنها هستند (مذکر)	sont ils (ایل سن)	او هست (مذکر)	il est (ایل ا)
آنها هستند (مونث)	elles sont (ایل سن)	او هست (مونث)	est elle (ایل ا)

برای منفی کردن آن از دو کلمه ne در اول و pas در آخر فعل être استفاده می شود :

ما نیستیم	nous ne sommes pas (نو ن سوم پ)	من نیستم	je ne suis pas (ژ ن سوی پ)
شما نیستید	vous n' êtes pas (وو نیت پ)	تو نیستی	tu n' es pas (تو ن پ)
آنها نیستند (مذکر)	ne sont pas ils (ایل ن سن پ)	او نیست (مذکر)	il n' est pas (ایل ن ا پ)
آنها نیستند (مونث)	elles ne sont pas (ایل ن سن پ)	او نیست (مونث)	n' est pas elle (ایل ن ا پ)

مثال :

من دانشجو هستم	je suis etudiant	ما در خانه هستیم	nous sommes dans une maison
او دانشجو نیست	elle n' est pas etudiante	شما خوشحال نیستید	vous n' êtes pas heureux

صرف فعل (داشتن) avoir

ما داریم	nous avons (نو زاون)	من دارم	j' ai (ژ ا)
شما دارید	vous avez (وو زاو)	تو داری	tu as (تو ا)
آنها دارند (مذکر)	ont ils (ایل زن)	او دارد (مذکر)	il a (ایل ا)
آنها دارند (مونث)	elles ont (ایل زن)	او دارد (مونث)	a elle (ایل ا)

برای منفی کردن آن مانند فعل être از دو کلمه ne در اول و pas در آخر آن استفاده می شود.

مثال :

من دو برادر دارم	j' ai deux frère	ما خواهر نداریم	nous n' avons pas une soeur
------------------	------------------	-----------------	-----------------------------

افعال در فرانسه به سه گروه می باشند. گروه یک (که آخر آنها به er ختم می شود) ، گروه دو (که آخر آنها به ir ختم می شود) و گروه سه (که آخر آنها به re ختم می شود).

گروه یک :	aimer
گروه دو :	partir
گروه سه :	dire

افعال گروه یک به جز دو مورد همگی با قاعده هستند. به طور مثال برای فعل aimer (دوست داشتن) داریم:

ما دوست داریم	nous aimons	(نوز مونت)	من دوست دارم	je aime	(ژم)
شما دوست دارید	vous aimez	(ووزم)	تو دوست داری	tu aimes	(تیم)
آنها دوست دارند (مذکر)	ils aiment	(ایلم)	او دوست دارد (مذکر)	il aime	(ایلم)
آنها دوست دارند (مونث)	elles aiment	(ایلم)	او دوست دارد (مونث)	elle aime	(ایلم)

در مثال بالا علامت های فعل با حروف پر رنگ تر نشان داده شده اند. علامت سوم شخص جمع (ent) نوشته می شود ولی خوانده نمی شود.

مثال :

من سینما را دوست دارم je aime le cinéma ما موزیک را دوست داریم nous aimons la musique

برای منفی کردن آن نیز مانند همه افعال دیگر در فرانسه، از ne ... pas استفاده می شود:

مثال :

من اپرا را دوست ندارم je n'aime pas l'opéra آنها مسافرت را دوست ندارند ils n'aiment pas voyager

هرگاه بخواهیم دو فعل را پشت سر هم بیاوریم فعل دوم به صورت مصدر نوشته می شود:

مثال :

من نگاه کردن را دوست دارم J' aime regarder

همانطور که در مثال دیده می شود ، فعل اول (aime) همراه با علامت اول شخص مفرد نوشته شده در صورتی که فعل دوم (regarder) به صورت مصدر نوشته شده است.

از افعال مهم این گروه می توان به aimer (دوست داشتن) ، adorer (دوست داشتن خیلی زیاد) ، regarder (نگاه کردن) ، écouter (گوش دادن) ، voyager (مسافرت کردن) ، chercher (جستجو کردن) ، détester (متنفر بودن) ، préférer (ترجیح دادن) و ... را نام برد.
دو فعل envoyer (فرستادن) و aller (رفتن) در این گروه بی قاعده هستند. صرف فعل aller به صورت زیر می باشد:

ما می رویم	nous allons	(نوزالون)	من می روم	je vais	(ژو)
شما می روید	vous allez	(ووزالو)	تو می روی	tu vas	(توو)
آنها می روند (مذکر)	ils vont	(ایلمون)	او می رود (مذکر)	il va	(ایلمون)
آنها می روند (مونث)	elles vont	(ایلمون)	او می رود (مونث)	elle va	(ایلمون)

حرف تعریف

در زبان فرانسه قبل از هر اسم یک حرف تعریف می آید. اگر اسم معرفه باشد (یعنی آن را می شناسیم) برای مذکر از **Le** و برای مونث از **La** استفاده می شود در غیر این صورت اگر آن اسم برای ما ناشناخته بود (نکره) برای مذکر از **Un** و برای مونث از **Une** استفاده می شود.
مثال:

ils ont la maison آنها یک خانه دارند
ils ont une maison آنها خانه ای دارند

در مثال اول، ما به فرض ،خانه آن اشخاص را می شناسیم و چون کلمه maison مونث است پس باید از **La** استفاده کنیم. در مثال دوم، به فرض، خانه آن اشخاص را ندیده ایم و نمی شناسیم و فقط می گوییم که آنها خانه ای دارند ، بنابراین باید از **une** استفاده کنیم.

موقعی که جلوی فعلی از حرف تعریف استفاده کنیم آن فعل به اسم تبدیل می شود. به طور مثال :

je aime le voyager من مسافرت را دوست دارم
j' aime voyager من مسافرت کردن را دوست دارم

همانطور که دیده می شود، در جمله اول هدف دوست داشتن مسافرت است ولی در جمله دوم هدف دوست داشتن انجام مسافرت می باشد.

برای کلمات جمع و معرفه از Les و برای نکره از Des استفاده می شود
مثال :

bonjour des amis
bonsoir les enfants

سلام دوستان
عصر بخیر بچه ها

نحوه سوالی کردن

در ابتدا بهتر است با برخی از کلمات پرسشی در زبان فرانسه آشنا شویم :

où (او) کجا
quand (کان) کی ، چه موقع (برای مونث آن : quande)
comment (کمان) چگونه
combien (کمبی ین) چند تا
pourquoi (پوق کوآ) چرا
quel (کل) کدام ، چه (برای مونث آن : quelle)

چند نکته :

۱ - در تلفظ کلمه où باید دقت کرد که با کلمه ou (یا) اشتباه نشود

کلمه	معنی	تلفظ
où	کجا	او
ou	یا	آ

۲ - می توان کلمه پرسشی را در آخر جمله آورد
مثال :

کجا می روی ؟ tu vas où ? (تو و او)
یا اینکه کلمه پرسشی را در ابتدای جمله آورد که در این صورت جای فاعل و فعل عوض می شود (انورسیون)
مثال :

کجا می روی ؟ vas tu où ? (او و تو)

۳ - همواره بعد از کلمه combien کلمه de می آید و سپس کلمه ای که می خواهیم شمارش شود
مثال :

چند نوشیدنی می خوری ؟ prends combien de boissons tu ? (کُمبی ین دُ بوآسون تو پقان)

۴ - نوع دیگر سوالی کردن، استفاده از **est - ce que** (آیا) می باشد
مثال :

آیا شما ماشین دارید ؟ est - ce que vous avez la voiture ? (اِسْ کُ وو زاوِ لا وواتوق)

در ترکیب آن با کلمه **que** که در اینجا به معنی (چه) می باشد و در ابتدای جمله قرار می گیرد ، جمله qu' est - ce que حاصل می شود که به معنی (چي ، چه) می باشد
مثال :

تو چي می خوری ؟ qu' est - ce que tu prends ? (کِسْ کُ تو پقان)
نکته : کلمه que در زبان فرانسه دارای معانی زیادی است

est - ce que با تعدادی از کلمات پرسشی دیگر نیز ترکیب می شود
مثال :

چه موقع می آیی ؟ quand est - ce que tu viens ? (کاندیسْ کُ تو وین)
تو کجایی ؟ est - ce que tu es où ? (او اِسْ کُ تو اِ)
کجا می روی ؟ que tu vas où est - ce ? (او اِسْ کُ تو و)

نکته : همانطور که ملاحظه می کنید وقتی کلمه پرسشی در ابتدای جمله همراه با est - ce que می آید دیگر انورسیون نمیشود

۵ - کلمه qui در زبان فرانسه دارای معانی زیادی است. یکی از معانی آن (چه کسی) است و معنی استفهامی دارد

مثال :

qui est - ce ?

کیست ؟

چه کسی می تواند بگوید چند بچه در اتاق است ؟ ? 'qui peut dire il y a combien d 'enfants dans une chambre

بعد از کلمه **combien** همواره **de** می آید و بعد از آن کلمه ای که می آید اگر قابل شمارش باشد باید به صورت جمع آورده شود مثلا در مثال فوق چون کلمه **enfant** (بچه) قابل شمارش است به صورت جمع نوشته شده. البته توجه داشته باشید که تلفظ آن تغییر نمی کند. (کمبی یَن دان فان)

نکته : یکی از کلمات بسیار مهم در جملات سوالی، کلمه **quoi** است و معادل کلمه **what** در زبان انگلیسی است و به معنی (چی) می باشد. این کلمه هم می تواند در ابتدا و هم در انتهای جمله قرار گیرد.

مثال:

tu dis quoi ? چی می گی؟

نکته : جمله **il y a** به معنی (وجود دارد) می باشد و بر عکس آن **il n' y a pas** (وجود ندارد) است.

و در آخر ، یک جمله سوالی که زیاد مورد استفاده قرار می گیرد :

چه اتفاقی افتاده است ؟ (موضوع چیست) qu' est - ce qui se passe (کیس کیس پس)

و یک جمله مترادف با جمله فوق:

چی شده ؟ (چی وجود داره) qu' est - ce qu' il y a (کیس کی لی یا)

صفات ملکی

در ابتدا به معرفی صفات ملکی می پردازیم :

معنی	مذکر	مونث	جمع
مال من	Mon	Ma	Mes
مال تو	Ton	Ta	Tes
مال او	Son	Sa	Ses
مال ما	Notre	Notre	Nos
مال شما	Votre	Votre	Vos
مال آنها	Leur	Leur	Leurs

همانطور که ملاحظه می کنید برای کلمات مذکر باید از مالکیت مذکر و برای مونث از مالکیت مونث استفاده کرد. همچنین اگر کلمه ای که جمع است به مالکیت درآید باید از مالکیت جمع استفاده کرد. در این حالت مذکر و مونث فرقی ندارد.

مثال :

C' est mon livre	این کتاب من است
ta voiture C' est	این ماشین تو است
est ses parents 'C	این والدین او است

تنها نکته ای که در این باره وجود دارد این است که برای کلمات مونثی که با حرف صدادار (y , i , o , u , e , a) شروع می شوند باید از مالکیت مذکر استفاده کرد

مثال :

C' est mon université	این دانشگاه من است
Mon amie	دوستم

مواردی درباره Accents

آکسان ها به غیر از یک مورد که بر اساس قاعده خاصی به کار می روند بقیه مخصوص یک کلمه هستند و شکل آن کلمه به صورتی است که آکسان دارد. مثلا ما در فارسی می نویسیم (خواهر) و نه (خاهر) ، حال شخصی که فارسی بلد نیست حتما می پرسد چرا می نویسید (خواهر) و چرا (خوا) به جای خا به کار رفت و یا مثلا (خواست) و یا (خویش) . آکسان ها هم در شکل آن کلمه به کار می روند و نمی توان گفت که این آکسان در این کلمه برای چیست همانطور که در فارسی برای (خوا) داشتیم. در کل آکسان ها تقریبا به هر کدام از سه شکل باشند وقتی روی حرف **e** که صدای (ا) می دهد بیایند صدای آن را به (اِ) مانند فارسی تغییر می دهند. صدای **e** در آخر کلمه تلفظ نمی شود ولی اگر آکسان داشته باشد باید آن را تلفظ کرد.

من ترجیح می دهم (ژُ پِ قِفِ قِ) je préfère

اما مورد استفاده با قاعده از آکسان ها موقعی است که می خواهیم زمان گذشته بسازیم. زمان گذشته یا به قول فرانسوی ها، پاسه کمیوزه، به دو شکل است یکی برای افعال حرکتی مانند رفتن ، آمدن، خارج شدن و یکی برای افعال معمولی. البته گروه بندی افعال هم موثر است و گذشته افعال دسته سوم به صورت بی قاعده است.

طریقه ساختن زمان گذشته (passé composé) - قسمت اول

ابتدا برای افعال گروه اول که کافیس حرف **r** را از آخر مصدر آن فعل حذف کرده و روی **e** آکسان بگذارید قبل از آن هم فعل کمکی داشتن **avoir** را به صورت متناسب صرف کنید

مثال : در اینجا فعل نگاه کردن را در دو حالت گذشته و حال می بینید
 نگاه کردم j' ai regardé (ژِ اِ رِ گِ رِ دِ) نگاه می کنم je regarde (ژُ قِ گِ قِ دِ)
 نگاه کرد il a regardé (ایلِ اِ رِ گِ قِ دِ) نگاه می کند il regarde (ایلِ قِ گِ قِ دِ)

در زیر گذشته فعل جستجو کردن برای همه صیغه ها آمده است

j' ai cherché	tu as cherché	il a cherché	elle a cherché
nous avons cherché	vous avez cherché	ils ont cherché	elle ont cherché

برای افعال گروه دوم کافیس حرف **r** را از آخر آن حذف کنید و مانند قبل هم فعل کمکی **avoir** را قبل از آن صرف کنید
 مثال: فعل خوابیدن dormir و انتخاب کردن choisir

خوابید il a dormi انتخاب کردند ils ont choisi

ای محاوره نکته چند

در زبان فرانسه نیز به مانند فارسی در محاوره و صحبت های عامیانه تفاوت هایی وجود دارد بین آن چیزی که می نویسند و آن چیزی که می خوانند که به دو جمله زیر توجه کنید

نمی دانم (ژُنُ سِه پا) je ne sais pas من هستم (ژُ سویی) je suis

تلفظ معمولی آنها مشخص است ولی تلفظ عامیانه آنها به صورت زیر است

شه پا je ne sais pas شویی suis je

نکته بعدی درباره کلمه **ne** برای منفی کردن است. در زبان عامیانه این کلمه را در پشت فعل استفاده نمی کنند و فقط از **pas** در آخر آن استفاده می کنند. پس اگر می خواهید زبان عامیانه را یاد بگیرید سعی کنید خود را عادت دهید که فقط برای منفی کردن از **pas** استفاده کنید

نگاه نمی کنم je regarde pas

نکته بعدی درباره کلمه **nous** (ما) است. در زبان عامیانه و حتی در بعضی کتابها به جای **nous** از **on** استفاده می کنند و صرف افعال آن مانند سوم شخص مفرد یا **il** و **elle** است. یکی دیگر از موارد مصرف **on** زمانی است که می خواهیم در مورد افراد مجهولی صحبت کنیم. مثلا در فارسی این جمله را در نظر بگیرید " میگن برگشتی شیراز" حال در زبان فرانسه به جای کلمه (میگن) می گویند **on**

چی بخوریم ؟
در فرانسه چی میگن ؟
on mange quoi ?
en france on dit quoi ?

طریقه ساختن زمان گذشته (passé composé) - قسمت دوم

گذشته افعال گروه سوم دارای یک قاعده خاص نمی باشد و متغیر است. گذشته افعال گروه سوم باید به مرور زمان با آنها آشنا شد چون متفاوت است. در زیر بعضی از افعال و گذشته آنها نمایش داده شده است

معنی	گذشته	فعل	معنی	گذشته	فعل
نوشتن	écrit	écrire	گفتن	dit	dire
دادن انجام	fait	faire	بایستن	dû	devoir
دادن قرار	mis	mettre	دویدن	couru	courir
کردن باز	ouvert	ouvrir	شناختن	connu	connaître
توانستن	pu	pouvoir	نوشیدن	bu	boire
خوردن گرفتن،	pris	prendre	دیدن	vu	voir
گرفتن یاد	appri	apprendre	خواندن	lu	lire
فهمیدن	compri	comprendre	خواستن	voulu	vouloir
دانستن	su	savoir	کردن زندگی	vécu	vivre
آمدن	venu	venir	داشتن	eu	avoir

برای مثال

il a fait
nous avons voulu

انجام داد
می خواستیم

j' ai eu
tu as dit

داشتم
گفتی

برای گذشته بعضی از افعال (حسی) به جای استفاده از **Avoir** باید از فعل **être** (که در اینجا کمکی است) استفاده کرد. در زیر بعضی از مهم ترین این فعل ها را می بینید

nâître	شدن متولد	aller	رفتن
sortir	شدن خارج	venir	آمدن
partir	رفتن	monter	رفتن بالا
passer	گذشتن	descendre	آمدن پایین
mourir	مردن	arriver	رسیدن
		rester	ماندن

تنها نکته ای وجود دارد این است که برای صیغه های مفرد مونث یک **e** و برای صیغه های جمع اگر مذکر است یک **s** و اگر مونث است **es** به آخر فعل اصلی اضافه می شود. توجه داشته باشید که اینها هیچ تاثیری در تلفظ ندارند یعنی نوشته می شوند ولی خوانده نمی شوند. در زیر گذشته فعل **aller** (رفتن) را برای مذکر و مونث می بینید

مذکر	مونث
je suis allé	je suis allée
tu es allé	tu es allée
il est allé	elle est allée
nous sommes allés	nous sommes allées
vous etes allés	vous etes allées
ill sont allés	elles sont allées

برای منفی کردن جملات گذشته کافیسست فعل کمکی را منفی کنیم. برای مثال

cherché **pas** avons **ne** nous dit **pas** as 'n tu allé **pas** suis **ne** je

یک نکته گرامری

در زبان فرانسه هنگامی که کلمه **Le** بعد از **De** می آید تبدیل به **Du** می شود. همچنین زمانیکه **Le** بعد از **A** می آید به **Au** تبدیل می گردد. به دو مثال زیر توجه کنید

cinema au aller <=	cinema <u>a</u> le aller	(آله ا سینما)	رفتن به سینما
cinema du venir <=	cinema <u>de</u> le venir	(وئیک دوو سینما)	آمدن از سینما

همچنین هنگامی که کلمه **Les** بعد از **De** می آید تبدیل به **Des** می شود و زمانیکه **Les** بعد از **A** می آید به **Aux** تبدیل می گردد. به دو مثال زیر توجه کنید

parents de ma **aux** Celine je presente <= parents de ma femme a les je presente Celine
 سلین را به خانواده همسرم معرفی می کنم
 jus de **des** je bois <= jus de fruits de les je bois
 من آب میوه ها را می نوشم

طریقه ساختن زمان گذشته نزدیک (passé récent)

برای ساختن این زمان کافیسیت ابتدا فعل **venir** را برای فاعل صرف کنید سپس کلمه **de** می آوریم و در انتها مصدر فعل اصلی را می نویسیم. این زمان برای مواقعی است که می خواهیم اتفاق افتادن عملی را در چند لحظه پیش بیان کنیم.

je viens de chercher mon ami
 دنبال دوستم می گشتم
 il vient d' essayer un blouson
 یک بلوز را امتحان کردم

طریقه ساختن زمان آینده نزدیک (futur proche)

برای ساختن این زمان کافیسیت ابتدا فعل **aller** را برای فاعل صرف کنید سپس مصدر فعل اصلی را بنویسید. این زمان برای مواقعی است که می خواهیم اتفاق افتادن عملی را در چند لحظه بعد بیان کنیم. البته فرانسوی ها برای بیان عملی تا فردا یا روز بعد هم از این زمان استفاده می کنند.

je vais aller au cinema
 می رم سینما (می خواهیم به سینما بروم)
 une entreprise mon voisin va créer
 همسایه ام یک کارخانه تاسیس خواهد کرد

ضمایر مفعولی

در جدول زیر دو دسته ضمایر مفعولی در مقابل ضمیر فاعلی آن نوشته شده است:

je	me	moi
tu	te	toi
il	le	lui
elle	la	elle
nous	nous	nous
vous	vous	vous
ils	les	eux
elles	les	elles

حال بهتر است با دیدن چند مثال با نحوه کاربرد آنها آشنا شوید:

je t'aime	دوستت دارم
elle me regarde	او مرا نگاه می کند.
moi tu viens avec	با من می آیی
J'ai faim, et toi ?	من گرسنه هستم. و تو چطور
je suis bien et toi ?	من خوبم و شما چطور
demain, je vais aller chez eux	من فردا می روم پیش آنها
la regarder j' aime	دوست دارم او را نگاه کنم

همانطور که حتما متوجه شدید، ضمائر moi,toi ,.... معمولا در آخر یک جمله آمده است. همچنین می توان آنها را تنها بکار برد مثلا

Qui va à la plage ? - Lui	چه کسی می رود به ساحل؟ او
Toi et lui, vous êtes très gentils	تو و او خیلی مهربان هستید
qui est ce? c ' est moi	کیست؟ منم

همچنین می توان از آنها برای ملکیت دادن هم استفاده کرد. مثلا
Ce livre est à toi این کتاب تو است.

ولی ضمائر me,te,le ,.... قبل از فعل می آیند. و نمی توانند تنها استفاده شوند. مثال
از تو متشکرم merci je te
اینو که بهت گفتم می فهمی tu comprends ce que je t'ai dit

ضمایر موصولی que , qui

از هر دو برای وصل کردن دو جمله استفاده می شود. البته معانی زیادی دارند ولی بعنوان ضمیر موصولی معادل **که** در زبان فارسی هستند. تنها تفاوت آنها در این است که بعد از qui فعل می آید ولی بعد از que باید ضمیر فاعلی نیز ذکر شود. مثال:

raison je pense que tu as	فکر می کنم که حق با تو است
c' est moi qui écris les paroles	این من هستم که شعرها رو نوشتم

یکی از کاربرد های en

از **en** می توان برای جلوگیری از تکرار یک چیز استفاده کرد که معادل **ش** در زبان فارسی می باشد. مثلا زمانی که کسی به شما می گوید کتاب را بردار و شما می گوید **بردهش** می دارم. مکان قرار گرفتن آن در جمله، بعد از ضمیر فاعلی می باشد. مثال

یک کیلو سیب بر می دارم. ازش یک کیلو بر می دارم je prends un kilo de pommes. j'en prends un kilo
چای می نوشی؟ بله ازش می نوشم (بله می نوشم) tu bois du thé ? oui,j'en bois

نکته ! ابتدا به اصطلاحاتی که در زیر نوشته شده است توجه کنید و سپس مثال ها را دنبال کنید:

beaucoup	زیاد
assez	کافی
un peu	کم یک
trop	زیاد خیلی

beaucoup de ski. j'en fais beaucoup je fais	من خیلی اسکی کردم. زیاد انجامش دادم
en faites un peu vous faites un peu de sport? vous ?	شما یک کم ورزش کردید؟ شما یک کم انجامش دادید؟
j' aime beaucoup ce rouge	این قرمز رو خیلی دوست دارم
on mange assez	ما به اندازه کافی غذا می خوریم
je travaille trop	من خیلی زیاد کار می کنم
je ne bois pas assez	من به اندازه کافی نمی نوشم
la veste est trop large	کت خیلی بزرگ است
le judo est assez difficile	جودو به اندازه کافی مشکل است.

تفاوت beaucoup و très که هر دو به معنی خیلی هستند در این است که beaucoup به همراه یک فعل می آید ولی بعد از très همواره یک صفت می آید.

j' aime beaucoup ce rouge	من این قرمز رو خیلی دوست دارم
ce rouge est très beau	این قرمز خیلی زیبا است

به دو مثال زیر که در زمان گذشته هستند نیز توجه کنید و جایگاه این کلمات را ببینید:

mangé j'ai assez	به اندازه کافی خوردم
je n'ai pas trop travaillé	خیلی زیاد کار نکردم

بعضی از لغات و اصطلاحات مهم کاربردی

Fondamentales Quelques Expressions pratiques et

C' est génial	جالب است	Oui	بله
C' est bizarre	عجیب است	Non	نه
C' est beau	زیباست	S'il vous plaît	لطفا
C' est magnifique	باشکوه است	Merci	متشکرم
C' est horrible	وحشتناک است	Merci beaucoup	خیلی متشکرم
C' est incroyable	باورنکردنی است	Bienvenu	خوش آمدید
J' aime	من دوست دارم	Pardon	معذرت می خواهم
J' adore	من خیلی دوست دارم	Excusez - moi	بیخشید
Je déteste	من متنفرم	Bonjour	سلام (صبح و بعد از ظهر)
Voilà	خوب بفرمائید ، آنجاست ،	Bonsoir	سلام (عصر و شب)
Alors	پس ، خوب	Salut	سلام (صمیمانه)
C' est rapide	فوری است	Au revoir	خدانگهدار
Formidable	جالب است	A bientôt	به زودی می بینمت
Quelle est votre nom	اسم شما چیست	Monsieur	آقا
Quelle est votre nationalité	ملیت شما چیست	Madame	خانم
De quelle couleur est	چه رنگی است	Mademoiselle	دوشیزه
C' est intéressant	جالب است	Mari	شوهر
Bonne journée	روز بخیر	Femme	همسر
comment allez vous	حال شما چطور است	Vous habitez où	کجا سکونت دارید

va ça	چطوری ، خوبست ؟	bien Très	عالی است، آفرین
bien ça va	خویم	Enchanté	خوشبختم
mal ça va	خوب نیستم	ça Comme	همینه
quelles nouvelles	چه خبر ؟	votre avis À	به نظر شما
qui	چه کسی؟ کی؟	tout Pas du	اصلا اینطور نیست
est - ce qui	او کیست؟	Sûr	مطمئن
quoi	چی؟	Sûrement	مطمئنا
qu'est - ce que c'est	این چیست؟	sûr Tu en es	تو مطمئنی؟
est - ce que ça veut dire 'qu	آن چه معنی می دهد؟	fait ça	می شود
quand	چه وقت؟ کی؟	aime 'Je t	دوستت دارم
est vrai 'c	درست است	l'aime Je	دوستش دارم
pourquoi	چرا	aime Je les	دوستشان دارم
moment un	یک لحظه	va Comment ça	حالت چطوره ؟
comprends je	من فهمیدم	roule ça	چطوری ؟
comprends pas je ne	من نفهمیدم	bouge ça	چطوری ؟
ce que vous comprenez - est	آیا متوجه می شوید؟	mal Pas	بد نیستم
est pas important 'ce n	مهم نیست	neuf Quoi de	چه خبر ؟
aller ça va	خویم ، همه چی خوبه	Rien de nouveau	خبری نیست
excusez moi de vous déranger	بیخشید که زحمت دادم	rien De	خواهش می کنم
laissez - moi tranquille	راحتم بگذارید	quoi Pas de	فراموشش کن
fois merci mille	ممنون	désolé Je suis	متاسفم
vous en prie je	خواهش می کنم (رسمی)	appétit Bon	نوش جان
en prie 'je t	خواهش می کنم (خودمانی)	demain A	فردا می بینمت

votre santé a	به سلامتی شما	prochaine A la	تا یه وقت دیگه
souhaits à vos	عافیت باشه (رسمی)	envie j' ai	میل دارم
souhaits à tes	عافیت باشه (خودمانی)	a il y	وجود دارد
servi - est	غذا حاضر است	mieux tant	چه بهتر
t'intresse ça	برایت جالب است	pis tant	چه بد
en ai assez 'j	حوصله ام سر رفته	assez	کافی
ai marre j' en	حوصله ام سر رفته	abondant	فراوان
nuit Bonne	شب بخیر (هنگام خواب)	santé à ta	به سلامتی تو
est important 'c	مهم است	frère	برادر
rien de	قابلی ندارد	soeur	خواهر
veuillez	لطفا	père	پدر
sûr bien	البته	mère	مادر
pige codal je	هیچی نمی فهمم	gueule ta	خفه شو
patati patata	چرت و پرت	sang bon	لعنت بر شیطان
suis tromper je me	اشتباه کردم	tomber laisse	بی خیال
regarde pas ça te	به تو چه	faute c' ete ma	تقصیر من بود

موقعیت ها

در این قسمت سعی شده است تا برخی از کلمات و همچنین مکالماتی که در یک موقعیت خاص یا درباره یک چیز بخصوص وجود دارد ، قرار داده شود مثلا موقعی که به مطب دکتر می رویم چه چیزی باید بگوییم.

خداحافظی کردن

au revoir	خداحافظ
à demain	فردا میبینمت
à bientôt	بزودی می بینمت! به امید دیدار!
chance bonne	موفق باشید
bonne nuit	شب بخیر
bon voyage	سفر بخیر! سفر خوش بگذرد
je vous remerci de votre visite	ار آمدنتان خیلی ممنونم
malheureusement nous devons partir	متاسفانه باید برویم
revoir au plaisir de vous	به امید دیدار دوباره
merci beaucoup	خیلی ممنون
a m' a beaucoup plu!	خیلی به من خوش گذشت

ورود به یک کشور

le contrôle du passeport	کنترل گذرنامه
la pièce d' identité	کارت شناسایی
fiche d' identité	برگ هویت
le contrôle des bagages	بازدید اسباب و اثاثیه
le bureau de la douane	دفتر گمرک
le douanier	مامور گمرک
la passerelle	راهرو ، مدخل
la valise	چمدان
où est la douane ?	گمرک کجاست؟
voici mon passeport	این گذرنامه من است
ceci n' est pas à moi	این مال من نیست
avez - vous d' autres bagages ?	آیا اثاثیه دیگری هم دارید؟
été examinés mes bagages ont	اثاثیه من بازبینی شده اند
le porteur	باربر
avez vous des objets de valeur ?	آیا چیز قیمتی دارید؟
encore je ne sais pas	من هنوز نمی دانم
je peux partir ?	می توانم بروم؟
ouvrez cette valise	این چمدان را باز کنید

je n' ai rien à déclarer	چیزی همراه ندارم که به مامور گمرک اطلاع دهم
avez - vous quelque chose à déclarer	آیا چیزی دارید که حقوق گمرکی به آن تعلق گیرد
je ne savais pas que je devais payer	من نمی دانستم که باید پولی می پرداختم
je ne peux pas trouver mon porteur	من نمی توانم باربرم را پیدا کنم
je ne peux pas ouvrir ma valise	نمی توانم چمدانم را باز کنم
tout cela est pour mon usage personnel	تمام آن برای مصرف شخصی من است
combien est - ce que je vous dois	من باید چقدر بپردازم

در هتل

le bureau d' information	دفتر اطلاعات
hôtel est où ?	هتل کجاست؟
la chambre à une personne	طاق خواب یک نفره
la chambre à deux personnes	طاق خواب دو نفره
est - ce très cher ?	آیا خیلی گران است؟
avez - vous des chambres libres ?	آیا اتاق های خالی دارید؟
je voudrais une chambre tranquille	من یک اتاق آرام می خواهم
vous n' avez rien de moins cher ?	چیز ارزان تری ندارید؟
puis - je voir la chambre ?	آیا می توانم اتاق را ببینم؟
l' appartement	آپارتمان
le bungalow	ویلا یک طبقه
donnez - moi la clé de ma chambre	کلید اتاقم را به من بدهید
deux lits	دو تخت
quel est le prix d' une chambre par nuit ?	قیمت یک اتاق شبی چقدر است؟
je voudrais réserver une chambre	من می خواهم یک اتاق رزرو کنم
je déjeunerai dans ma chambre	غذا را داخل اتاقم می خورم
vous rester - temps voulez combien de ?	چه مدت می خواهید بمانید؟

le voyageur	مسافر
avec douche	با دوش
l' étage	طبقه
la salle de séjour	اتاق نشیمن
	اتاق
sans repas	بدون غذا
l' ascenseur	آسانسور
les toilettes	توالت
la secrétaire	منشی
les employés de l' hôtel	کارکنان هتل

در آرایشگاه

que je peux prendre un rendez - vous pour cinq heures est - ce ?	آیا می توانم برای ساعت پنج وقت بگیرم؟
je voudrais me faire couper les cheveux	می خواهم موهایم را کوتاه کنم
je voudrais un shampooing	من شستشو با شامپو می خواهم
je voudrais me faire décolorer les cheveux	می خواهم موهایم را رنگ کنید
) je veux un shampooing pour les cheveux raides (secs, gras
	من یک شامپو برای موهای لخت (خشک، چرب) می خواهم
je ne veux pas de laque	من تافت نمی خواهم
veuillez me raser	لطفا صورتم را اصلاح کنید
la raie à gauche / à droite	فرق به چپ / راست
la mèche	میش
la laque	تافت
le séchoir	سه شوآر
couper	اصلاح کردن

در رستوران

quand prendre le repas	زمان وعده های غذا
le petit déjeuner	صبحانه
le déjeuner	نهار
le dîner	شام
au restaurant	صرف غذا در رستوران
j' ai faim / soif	من گرسنه / تشنه هستم
donnez - moi une fourchette	یک چنگال به من بدهید
je voudrais une entrée	من یک پیش غذا می خواهم
je voudrais une table ...	یک میز در ... می خواهم
nous venons à 8 heures	ما ساعت ۸ می آییم

où puis - je trouver un bon restaurant ?	کجا می توانم یک رستوران خوب پیدا کنم؟
avez - vous une table pour quatre personnes ?	آیا یک میز برای چهار نفر دارید؟
voulez - vous nous donner le menu s' il vous plaît	لطفا لیست غذا (منو) را به ما بدهید
est - ce que vous pourriez nous apporter ... s' il vous plaît	ممکن است لطفا ... برایمان بیاورید؟

le vinaigre	سرکه	une assiette	یک بشقاب
le beurre	کره	une bouteille ...	یک بطری ...
le pain	نان	un verre	یک لیوان
l' huile	روغن	une tasse	یک فنجان
le poivre	فلفل	une cuillère	یک قاشق
le sucre	شکر	des allumettes	چند تا کبریت
sel le	نمک	un couteau	یک چاقو
		une serviette	یک دستمال سفره
		une fourchette	یک چنگال

la viande	گوشت	un chocolat chaud	یک شیر کاکائوی گرم
le riz	برنج	un cafénoir	یک قهوه سیاه
les salades	سالادها	un jus d' orange	یک آب پرتغال
les légumes	سبزیجات	eau gazeuse 'de l	آب معدنی گازدار
le caviar	خاویار	un thé	یک چای
la sauce	سس	le lait	شیر
champignon le	قارچ	les oeufs	تخم مرغ ها
le poulet	جوجه، مرغ	le miel	عسل
le rôti	کباب	la confiture	مربا
la dinde	بوقلمون	le fromage	پنیر
la soupe	سوپ	repas chaud	غذای گرم
chips	چیپس	repas froid	غذای سرد
les macaronis	ماکارونی	un repas léger	غذای سبک
la glace	بستنی	le dessert	دسر
le beignets	پیراشکی	les boissons	نوشیدنی ها
le gâteau	شیرینی	le poisson	ماهی
la meringue	نان خامه ای	le fruit	میوه

البسه و پوشاک و لوازم فرعی

la	کفش	le maillot de bain	لباس شنا، مایوی زنانه
la	دمپایی	le soutien - gorge	سینه بند pantoufle

paire je voudrais nue ...	یک جفت ... می خواهم	le chemisier	بلوز de
le chausse - pied	پاشنه کش	le pantalon	شلوار
patin à roulettes	کفش اسکیت	le sac à main	کیف دستی
la botte	بوتین	serrée jupe	دامن تنگ
		le chapeau	کلاه
		le collant	جوراب شلواری
		socquette la	جوراب کوتاه
		la robe	پیراهن زنانه
		le sous - vêtement	لباس زیر
		la combinaison	زیر پوش زنانه
		le prêt - à - porter	بوتیک لباس فروشی
		la chemise	پیراهن مردانه
		le tee - shirt	تی شرت
		le mouchoir	دستمال
		le gant	دستکش
		la jupe	دامن
		la culotte	شورت
		le foulard	روسری
		la cravate	کراوات
		la veste / le veston	کت

ce (cette, cet) ... vous va très bien
 grand / plus petit est - ce qu' il y a plus ?
 je voudrais le cirage
 réparer ces chaussures pourriez - vous ?
 je voudrais changer leurs talons
 quand seront elles prêtes ?

این ... خیلی خوب به شما می آید
 آیا اندازه بزرگتر / کوچکتر دارید؟
 من واکس می خواهم
 آیا می توانید این کفش ها را تعمیر کنید؟
 می خواهم پاشنه آنها را عوض کنم
 چه وقت حاضر می شود؟

تبریکات و آرزوها

joyeux Noël	کریسمس مبارک
bonne année	سال نو مبارک
bonne anniversaire	تولد مبارک
félicitations	تبریک
bon courage	موفق باشید
vous souhaitons une bonne année nous meilleurs voeux pour la nouvelle année bien affectueusement	آرزوی سال خوبی را برای شما می کنیم با بهترین آرزوی سال نو برای شما با صمیمانه ترین درودها

پزشک

appeler un médecin pouvez - vous faire ?	آیا ممکن است برایم یک پزشک بیاورید؟
a quelle heure recevez - vous ?	در چه ساعتی شما بیماران را می پذیرید؟
motif de votre visite quel est le ?	علت مراجعه شما چیست؟
pouvez - vous m' indiquer un médecin ?	آیا می توانید یک پزشک به من معرفی کنید؟
voir quand reviendrez - vous me ?	چه وقت دوباره می آید و مرا می بینید؟
où est le cabinet du médecin ?	مطب (پزشک) کجاست؟
expliquez - moi un peu son état	راجع به وضعش (بیماری) برای من بگویید
me donner un rendez - vous pouvez - vous ?	آیا ممکن است یک وقت ... به من بدهید؟
vous devez faire une analyse du sang	شما باید آزمایش خون بدهید

le généraliste	پزشک عمومی
le pédiatre	پزشک اطفال
l' oculiste	متخصص چشم
le gynécologue	پزشک زنان
le neurologue	متخصص اعصاب
le dentiste	دندانپزشک
entérologue - le gastro	متخصص دستگاه گوارش
le dermatologue	متخصص بیماریهای پوست
le psychologue	روانشناس
l' urologue	متخصص مجاری ادرار

la bouche	دهان	le bras	بازو
la cou	گردن	le pied	پا
le nez	بینی	le sein	پستان، سینه
les reins	کلیه ها	la poitrine	سینه
l' oeil	چشم	l' os	استخوان
l' oreille	گوش	le coude	آرنج
l' épaule	شانه	le visage	صورت
la jambe	ساق پا	la gorge	گلو
la langue	زبان	main la	دست
doigts les	انگشتان	le coeur	قلب
estomac 'l	معده	la tête	سر
la cuisse	ران	la peau	پوست
		le genou	زانو
		le foie	کبد
		les poumons	شش ها

je ne suis pas bien	حالم خوب نیست
je suis malade	مریضم
j' ai mal à la tête	سرمدرد می کند
un peu de fièvre j' ai	کمی تب دارم
je suis enrhumé	زکام شده ام
je suis très enrhumé	به شدت سرما خوردم
mal à l' estomac	گلو درد
le rhume	سرماخوردگی
intoxication alimentaire	مسمومیت غذایی
une douleur 'je souffre d	من از دردی رنج می برم
je ne me sens pas bien	حالم خوب نیست

Vocabulaire لغات نامه

در این قسمت برخی از لغاتی که در سراسر سایت از آنها استفاده شده بعلاوه لغات جدیدتری قرار گرفته است. شما می توانید با انتخاب حرف مورد نظر ، از جدول زیر به قسمت مربوطه بروید.

A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M
N	O	P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z

حرف A :

Acheter	خریدن	Arriver	رسیدن
Affaire	امر، وسایل	Art	هنر
Âge	سن	Artiste	هنرمند
Aider	کمک کردن	Asseoir	نشستن
Aimer	دوست داشتن	Assis	نشسته
Aller	رفتن	Assiette	بشقاب
Ami	دوست	Attendre	منتظر ماندن
An, année	سال	Attention	توجه، دقت
Appareil	دستگاه	Faire attention	توجه کردن
Apporter	آوردن	Aujourd' hui	امروز
Apprendre	یاد گرفتن	Autobus	اتوبوس
Après	بعد	Automne	پاییز
Après - midi	بعد از ظهر	Avec	با
Arbre	درخت	Avoir	داشتن
Argent	پول		

حرف B :

Bain	حمام	Boucher	قصاب
Bas, basse	آهسته، کوتاه	Boulangier	نانوا
Beau, belle	زیبا	Boulangerie	نانوایی
Beaucoup	خیلی، بسیار	Briller	درخشیدن
Besoin	احتیاج	Brosse	برس
Beurre	کره	Brosse à dents	مسواک
Bicyclette	دوچرخه	Bureau	اداره، دفتر، میز
Bien	خوب		
Boire	نوشیدن		
Boîte	جعبه		
Bon, bonne	خوب		
Bonjour	سلام		
Bonsoir	عصر به خیر		
Bouche	دهان		

حرف C :

Café	قهوه، کافه	Connaître	شناختن
Ce , Cet , Cette	این	Construire	ساختن
Chaise	صندلی	Content	راضی، خوشحال
Chambre	اطاق خواب	Corde	طناب
Chanter	آواز خواندن	Corps	بدن
Chapeau	کلاه	Coudre	دوختن، خیاطی کردن
Chaque	هر	Couleur	رنگ
Chat , chatte	گربه	Courage	شجاعت، همت
Chaud	گرم	Courir	دویدن
Chaussure	کفش	Court	کوتاه
Chemise	پیراهن	Couteau	کارد
Cher	گران، عزیز	Coûter	قیمت داشتن
Cheval	اسب	Couturière	خیاط زن
Cheveu	موی سر	Cravate	کراوات
Chez	نزد، مطب، کشور، خانه	Crayon	مداد
Chien	سگ	Cuillère	قاشق
Chose	چیز	Cuisine	آشپزخانه
* quelque chose	چیزی	Cuisinière	اجاق
Ciel	آسمان		
Cigarette	سیگار		
Cinéma	سینما		
Classe	کلاس		
Combien	چند، چقدر، چند تا		
Comme	مثل، همانطور که		
Commencer	شروع کردن		
Comprendre	فهمیدن		

حرف D :

Devant	جلو	Dame	خانم
Devenir	گردیدن ، شدن	Danger	خطر
Dieu	خدا	Dangereux	خطرناک
Difficile	مشکل	Dans	در
Dire	گفتن	Debout	ایستاده ، سر پا
Directeur	مدیر	Début	ابتدا ، اوایل
Doigt	انگشت	Décider	تصمیم گرفتن
Docteur	دکتر ، پزشک	Déjeuner	ناهار
Donner	بخشیدن ، دادن	* Petit Déjeuner	صبحانه
Dormir	خوابیدن	Déjeuner	ناهار خوردن
Droit	راست ، مستقیم	Demain	فردا
Drôle	مضحک ، عجیب	Demander	تقاضا کردن
		Demi	نصف ، نیم
		Dent	دندان
		Depart	سفر ، حرکت
		Dernier	آخرین

Derrière	عقب ، پشت سر
Descendre	پایین رفتن
Dessiner	نقاشی کردن

حرف E :

Entrer	داخل شدن	Eau	آب
Épicier	بقال	École	دبستان
Essuyer	خشک و پاک کردن	Écouter	گوش دادن
Et	و	Écrire	نوشتن
Étage	طبقه	Électrique	برقی
Été	تابستان	Élève	دانش آموز
Être	بودن	Employé	کارمند
Étroit	تنگ، کم عرض	En	در
Étude	تحصیل	Encore	هنوز ، دوباره
Evier	ظرفشویی	Enfant	بچه ، فرزند

حرف F :

Facile	آسان	Finir	تمام کردن
Faim	گرسنگی	Fleur	گل
* Avoir faim	گرسنه بودن	Fois	باز ، دفعه
Faire	کردن، انجام دادن	Fort	نیرومند، قوی
Famille	خانواده	Fourchette	چنگال
Fatigué	خسته	Fraîche	خنک، سرد
Faut	باید، لازم است	France	فرانسه
Femme	زن	Frapper	زدن
Fenêtre	پنجره	Froid	سرد، سرما
Fermer	بستن	Fromage	پنیر
Feu	آتش	Front	پیشانی
Feville	برگ	Fruit	میوه
Fièvre	تب		
Fille	دختر		
Film	فیلم		
Fin	ظریف		
Fin	پایان		

حرف G :

Gagner	برنده شدن
Gagner	بدست آوردن
Garage	گاراژ
Garçon	پسر بچه
Gare	ایستگاه راه آهن
Gauche	چپ
Gaz	گاز
Gens	مردم
Gentille ,Gentil	خوب، مهربان
Grande , Grand	بزرگ
Grand père	پدر بزرگ
Grande mère	مادر بزرگ
Gris , Grise	خاکستری
Guérir	معالجه کردن

حرف H :

Habiller	لباس پوشاندن
Habit	لباس
Habiter	سکونت داشتن
Haut	بلند
Herbe	گیاه، علف
Heure	ساعت
Hier	دیروز
Hiver	زمستان
Homme	مرد، انسان
Hôpital	بیمارستان
Hôtel	مسافرخانه

حرف J :

Jardin	باغ
Jaune	زرد
Jeudi	پنجشنبه
Joli , Jolie	قشنگ
Jouer	بازی کردن
Jour	روز

حرف L :

Long, Longue	دراز	Lait	شیر (خوردنی)
Longtemps	مدتی	Lampe	چراغ
Lourd	سنگین	Lavabo	دست شویی
Lundi	دوشنبه	Laver	شستن
Lunettes	عینک	Leçon	درس
		Léger	سبک
		Lettre	نامه
		Lever	بلند کردن
		Lire	خواندن
		Lit	رختخواب
		Loin	دور

حرف M :

Mère	مادر	Machine	دستگاه، ماشین
Mettre	گذاشتن	Magasin	مغازه
Meuble	وسایل منزل	Maintenant	حالا
Midi	ظهر	Mais	اما، ولی
Mille	هزار	Maison	خانه
Moi	من	Maître	آموزگار
Mois	ماه	Mai	بد
Moitié	نصف	Malade	بیمار
Monde	دنیا	Manger	خوردن
Monter	بالا رفتن	Manteau	مانتو
Montre	ساعت مچی	Marché	بازار
Mot	کلمه	Marcher	راه رفتن
Montrer	نشان دادن	Mardi	سه شنبه
Morceau	قطعه	Matin	صبح
Mouchoir	دستمال	Mauvais, Mauvaise	بد
Mouton	گوسفند	Médecin	پزشک
Mur	دیوار	Médicament	دارو
		Ménagère	خانه دار
		Menton	چانه
		Menuisier	نجار
		Mer	دریا
		Mercredi	چهارشنبه

حرف N :

Nécessaire	لازم
Neige	برف
Neiger	برف باریدن
Nez	بینی
Noir, Noire	سیاه
Nom	نام
Note	نمره
Nouveau, Nouvelle	تازه
Nuit	شب

حرف O :

Obligé	مجبور
Oeil	چشم
Oeuf	تخم مرغ
Offrir	هدیه کردن
Oncle	عمو
Orange	پرتغال
Oreille	گوش
Ou	یا
Où	کجا
Oublier	فراموش کردن
Outil	ابزار
Ouvrir	باز کردن

حرف P :

Pleuvoir	باران باریدن	Pain	نان
Plus	دیگر، تر (تفضیلی)	Pantalon	شلوار
Polie , Poli	مودب	Père	پدر
Police	پلیس	Papier	کاغذ
Pomme	سیب	Parapluie	چتر
Porte	در	Pardon	بخشید
Porter	بردن، دربر داشتن	Parents	والدین
Poste	اداره پست	Parler	حرف زدن
Poste	دستگاه	Partie	قسمت
Poupée	عروسک	Partir	رفتن، عزیمت کردن
Pouvoir	توانستن	Pauvre	فقیر
Prendre	برداشتن، گرفتن	Payer	پرداختن
Préparer	آماده کردن	Pays	کشور
Près de	نزدیک	Pendant	هنگام، مدت
Printemps	بهار	Pendre	آویختن
Prochain	آینده، بعدی	Penser	فکر کردن
		Perdre	گم کردن، باختن
		Personne	نفر، شخص
		Personne	هیچکس
		Petit, Petite	کوتاه، کوچک
		Peu	کم
		Peur	ترس
		Photo	عکس
		Pièce	اطاق، سکه، قطعه
		Planche	تخته
		Plante	گیاه
		Plein	پر
		Pleurer	گریه کردن

حرف Q :

Que	که، چه؟، چقدر؟
Quel, Quelle	کدام، چه
Quelque	چند
Quelque chose	چیزی
Quelque temps	مدتی
Quelque un	کسی
Question	سوال
Qui	که، چه کسی؟

حرف R :

Rester	ماندن	Radio	رادیو
Réveiller	بیدار کردن	Rare	نادر، کمیاب
Rien	هیچ	Rasoir	ریش تراش
Robe	پیراهن زنانه	Recevoir	دریافت کردن
Rond	گرد	Regarder	نگاه کردن
Rose	گل سرخ	Remplacer	جایگزین کردن
Rose	صورتی	Rendre	پس دادن
Rouge	قرمز	service Rendre	خدمت کردن
Rue	کوچه	Repas	غذا
		Reposer	استراحت کردن
		Restaurant	رستوران

حرف S :

Sortir	بیرون رفتن	Sac	کیسه، کیف
Soupe	سوپ	Saison	فصل
Souriant	خندان	Salle	اطاق
Sourire	لبخند زدن	Salle à manger	ناهار خوری
Sous	پایین، زیر	Salon	اطاق پذیرایی
Souvent	غالبا	Samedi	شنبه
Sucre	قند، شکر	Sans	بدون، بی
Sur	بالای، روی	Sauter	پریدن، جهیدن
Surtout	خصوصا	Savoir	دانستن
		Savon	صابون
		Sel	نمک
		Semaine	هفته
		Service	خدمت
		militaire Service	خدمت نظام
		Serviette	کیف
		Seule ,Seul	تنها
		Si	اگر، چرا
		Silence	سکوت
		Soeur	خواهر
		Soif	تشنگی
		Soigner	معالجه کردن
		Soin	مواظبت
		Soir	عصر، شب
		Soldat	سرباز

Soleil
Sommeil

خورشید
خواب

حرف T :

Tout le monde همه کس
Train قطار
Tranquille آرام، آسوده
Travail کار
Travailler کار کردن
Très خیلی، بسیار
Trop زیاد
Trou سوراخ

Table میز
Tableau تابلو
Tailleur خیاط (مرد)
Télévision تلویزیون
Temps وقت، هوا
Terre زمین
Tête سر
Thé چای
Théâtre تماشاخانه
Tissu پارچه
Toi تو
Toilette آرایش، نظافت
Tomber زمین خوردن، افتادن
Tôt زود
Toujours همیشه
Tousser سرفه کردن
Tout همه چیز

حرف U :

Usine
Utile

کارخانه
سودمند

حرف V :

Vite تند، زود
Voir دیدن
Voisin همسایه
Voiture اتومبیل
Voler پرواز کردن

Vacances تعطیلات
Valise چمدان
Vendre فروختن
Vendredi جمعه
Venir آمدن

Voler دزدیدن
 Voleur دزد
 Vouloir خواستن
 Voyage سفر
 Vrai راست درست

Vent باد
 Vérité حقیقت
 Verre شیشه، لیوان
 Vert, Verte سبز
 Viande گوشت
 Vie زندگی
 Vieux, Vieille پیر
 Ville شهر
 Vin شراب

شخصیت *Personnalité*

برای توصیف يك شخص از صفات توصیفی که پر کاربرد ترین آنها در زیر ذکر شده اند استفاده می شود .

raffiné	خبیره و ماهر	sportif	ورزشکار
fort	نیرومند و قوی	courageux	شجاع
studieux	درسخوان	amical	دوستانه - خونگرم
lâche	نامرد	stupide	کند ذهن ، احمق
froid	غیر دوست	drôle	با مزه
sérieux	جدی	travailleur	کاري
paresseux	تنبل	intéressant	دلچسب و جالب
ennuyeux	ملال آور	faible	ضعیف
méchant	میانه رو	gentil	مهربان
snob	پر افاده و مغرور	sympathique	نازنین، مودب، نجیب
timide	خجالتی	sans préjugés	روشن فکر
impatient	بی حوصله و نا شکيبا	ouvert	خوش سفر
naïf	ساده و بی ریا	patient	صبور
taquin	سر به هوا	patriotique	میهن دوست
		intelligent	باهوش

مثال :

il est très drôle او خیلی با مزه است

او یک پسر ورزشکار است c'est un garçon sportif

وضعیت آب و هوا La météo

در ابتدا به کلمات زیر توجه کنید:

l'orage	رعد و برق	le ciel	آسمان
la tempête	طوفان	la pluie	باران
l'éclair	اشعه درخشان	le soleil	خورشید
le vent	باد	le nuage	ابر
l'arc-en-ciel	رنگین کمان	le bulletin météo	گزارش هواشناسی
le temps	آب و هوا	le neige	برف

برای سوال کردن درباره آب و هوا از سوال زیر استفاده می شود :

Quel temps fait-il ? هوا چطور است ؟

جواب این سوال می تواند بصورت های زیر باشد :

Il fait froid	هوا سرد است
Il fait frais	هوا خنک و آرام است
Il fait mauvais	هوا بد است
Il fait bon	هوا گرم است
Il fait du soleil	هوا آفتابی است
Il fait doux	هوا گرم است
Il fait beau	هوا خوب و رضایت بخش است
Il fait chaud	هوا داغ است
Quelle chaleur	چه هوای داغی
Il fait doux	هوا گرم است
Il fait du vent	هوا بادی است
Il fait du soleil	هوا آفتابی است

Il fait du brouillard	هوا مه آلود است
Il fait nuageux	هوا ابری است
Il fait orageux	هوا طوفانی است
Il pleut	هوا بارانی است
Il pleut à verse	با بارش همراه است
Il neige	هوا برفی است
Il gèle	بسیار سرد است

یک اصطلاح: موقعی که هوای بدی است فرانسوی ها از جمله **Le temps de couchon** استفاده می کنند.

در اخبار هواشناسی و در کنار نقشه جغرافیایی از کلمات زیر استفاده می شود:

Ensoleillé	آفتابی
Éclaircies	نیمه ابری
Nuageux	ابری
Couvert	ابری (ابر باران)
Averses	رگبار
Pluies	بارانی
Orage	رعد و برق
Tempête	طوفانی
Neigé	برفی

روزها و تاریخ *Les jours et la Date*

در ابتدا بهتر است با روز های هفته در فرانسه آشنا شویم :

دوشنبه	لَندِی	Lundi
سه شنبه	مَقْدِی	Mardi
چهارشنبه	مِقْ كُ دِی	Mercredi
پنجشنبه	ژُ دِی	Jeudi
جمعه	وَانْ دُ قُ دِی	Vendredi
شنبه	سَمْدِی	Samedi
یکشنبه	دِی مانَش	Dimanche

برای پرسیدن اینکه در کدام یک از روز های هفته هستیم از جمله زیر استفاده می شود

Quel jour sommes nous aujourd' hui ?

امروز چه روزی هستیم ؟

برای پرسیدن اینکه امروز چندم است از یکی از جملات زیر استفاده می شود

Quel jour sommes - nous ? ما در چه روزی هستیم؟ (چندم است)
 hui 'Le combien sommes - nous aujourd' ?
 Nous sommes le combien aujourd' hui ?

و برای جواب دادن به سوال بالا مثلا می گوییم

C' est le six avril ششم آوریل است
 C' est le quatre août چهارم اوت است

در زیر به کلمات مفیدی در ارتباط با زمان اشاره شده است

Demain	فردا	Le Matin	در صبح
Après - demain	پس فردا	Le midi	در ظهر
Il y a deux jours	دو روز قبل	Pendant la journée	در طول روز
La semaine dernière	هفته قبل	L' après midi	در بعد از ظهر
La semaine prochaine	هفته بعد	La soirée	در عصر، در شب
Pendant la semaine	در طول هفته	La nuit	در شب
Les vacances	تعطیلات	A minuit	در نصف شب
L' anniversaire	روز تولد	Avant - hier	پریروز
Le jour férié	روز تعطیل عمومی	Hier	دیروز
Le jour ouvrable	روز کاری	Aujourd' hui	امروز

Les mois ماه‌های میلادی

ماه‌های میلادی با تلفظ‌های فرانسوی در زبان فارسی مصطلح هستند :

Janvier	•ژانویه
Février	•فوریه
Mars	•مارس
Avril	•آوریل
Mai	•مه
Juin	•ژوئن
Juillet	•ژوئیه
Août	•اوت
Septembre	•سپتامبر

Octobre • اکتبر

Novembre • نوامبر

Décembre • دسامبر

فصل ها Les saisons

(لُ پِ قَنْ تان)	Le printemps	بهار
(لُ لِ ت)	L' été	تابستان
(لُ تَنْ)	L' automne	پاییز
(لُ لِ وَفِ)	L' hiver	زمستان
(أُ پِ قَنْ تان)	printemps Au	در بهار
(أَنْ لِ تِ)	En été	در تابستان

متضاد ها Les Antonymes

در این قسمت با بعضی از کلمات متضاد آشنا می شویم

Dedans	داخل، درون، تو	Dehors	بیرون، خارج
Loin	دور	Près	نزدیک
Difficile	دشووار	Facile	آسان
Mauvais	بد (مذکر)	Bon	خوب
Mauvaise	بد (مؤنث)	Bonne	خوب
Cher	گران	Bon marché	ارزان
Petit	کوچک	Grand	بزرگ
Faux	غلط	Juste	درست

Léger	سبک	Lourd	سنگین
Bas	پایین	Haut	بالا
Fermé	بسته	Ouvert	باز
Jeune	جوان	Vieux	پیر
Neuf	نو (مذکر)	Vieux	کهنه
Neuve	نو (مونث)	Vieille	کهنه
Lentement	آهسته	Vite	تند
Vide	خالی	Plein	پر
Occupé	اشغال	Libre	آزاد
Tard	دیر	Tôt	زود
Froid	سرد	Chaud	گرم
Devant	جلو	Derrière	پشت
Prochain	بعدی	Dernier	قبلی

حروف اضافه ، حروف ربط ، قیدها *conjonctions , adverbs , prépositions*

در این قسمت برخی از مهمترین حروف اضافه، ربط و قید آمده است

A	به ، با	Très	بسیار ، خیلی
Après	بعد ، پس از	Trop	زیادی ، بیش از اندازه
Avant	قبل ، پیش	Vraiment	واقعا ، به راستی
Avec	با	Tellement	به قدری ، از بس
A cause de	به علت	Personne	هیچکس
Aussi , également	نیز ، همچنین	Pour	برای
Comment	چطور ، چی	Près de	نزدیک
De	از	Sous	زیر ، در زیر
Derrière	عقب ، پشت سر ، پشت	Souvent	غالبا ، بیشتر اوقات
Devant	جلو ، پیش	Tout à fait	کاملا ، به کلی
En	در ، به	Parce que	برای اینکه ، چون
Donc	پس ، بنابراین	Parfois	گاهی
Encore	هنوز ، دوباره ، باز	Alors que	در حالی که

Et	و	A la fois	با هم ، همزمان
Mais	اما	Au Fait	روی هم رفته
Ou	یا	Du Fait de	به علت
Même	حتی	Sans quoi	وگرنه
Là	آنجا	Tant que	هر قدر که ، هر مقدار که
Par	بوسیله ، از طریق	Tout à coup	ناگهان
Sur	روی ، در روی	Toujours	همیشه
Sans	بی ، بدون	Peut - être	شاید
Si	اگر ، چرا (بله)		

ملیت ها *Nationalité*

در زبان فرانسه برای بیان ملیت و قاره از فعل être (بودن) استفاده می شود. ملیت ها (به جز چند استثنا) برای مذکر و مونث متفاوت است.
مثال :

il est iranien	او ایرانی است (برای مذکر)
elle est iranienne	او ایرانی است (برای مونث)
asiatique vous êtes	شما آسیایی هستید (برای مذکر)

معمولا برای سوال و جواب در این رابطه، مانند مثال زیر عمل می شود :

qu'elle est votre nationalité ? ملیت شما چیست (اهل کجا هستید)
je suis iranien من ایرانی هستم

در جدول زیر تعدادی از ملیت ها به همراه تلفظ آنها آمده است
:

نام ملیت	مذکر	تلفظ	مونث	تلفظ
ژاپنی	japonais	ژاپن	japonaise	ژاپن
سوئیس	suisse	سوئیس	suisse	سوئیس
اسپانیایی	espagnol	اسپانی	espagnole	اسپانی
ایتالیایی	italien	ایتالی	italienne	ایتالی
کانادایی	canadien	کانادی	canadienne	کانادی
کره ای	coréen	کوری	coréenne	کوری
پرتغالی	portugais	پرتوگ	portugaise	پرتوگ
یونانی	grec	گرق	grecque	گرق
انگلیسی	anglais	انگل	anglaise	انگل
بلژیکی	belge	بلژ	belge	بلژ
سوئدی	suédois	سوئدوا	suédoise	سوئدوا
مراکش	marocain	مقون	marocaine	مقون
آلمانی	allemand	آلمان	allemande	آلمان
اتریشی	autrichien	اتریشی	autrichienne	اتریشی
ایرانی	iranien	ایرانی	iranienne	ایرانی
الجزایری	algérien	الجزیری	algérienne	الجزیری
استرالیایی	australien	استرالی	australienne	استرالی
برزیلی	brésilien	برزیلی	brésilienne	برزیلی
چینی	chinois	چینوا	chinoise	چینوا
ایرلندی	irlandais	ایرلندی	irlandaise	ایرلندی
هلندی	néerlandais	نهلندی	néerlandaise	نهلندی
آمریکایی	américain	امریکی	américaine	امریکی
روسی	russe	روس	russe	روس
لهستانی	polonais	پلن	polonaise	پلن
مکزیک	mexicain	مکزیک	mexicaine	مکزیک
هندی	indien	اندی	indienne	اندی
فرانسوی	français	فانس	française	فانس
آسیایی	asiatique	آزیاتیک	asiatique	آزیاتیک
آفریقایی	africain	افریق	africaine	افریق
اروپایی	européen	اوپ	européenne	اوپ

مشاغل Professions

در زبان فرانسه برای بیان شغل از فعل être (بودن) استفاده می شود. بعضی از شغلها بین مذکر و مونث مشترک می باشد.
مثال :

médecin il est او پزشک است
infirmière elle est او پرستار است

در جدول زیر تعدادی از مشاغل معرفی شده اند :

کلمه	مذکر	مونث
هنرمند	l'acteur	l'actrice
هنرپیشه	l'artiste	--

la boulangère	le boulanger	نانوا
--	le boucher	قصاب
--	le charpentier	نجار
la caissière	le caissier	صندوقدار
fonctionnaire la	fonctionnaire le	کارمند
--	le chef	سرآشپز
dentiste la	dentiste le	دندانپزشک
--	le médecin	پزشک
--	l'électricien	متخصص برق
l'ouvrière	l'ouvrier	کارگر
--	l'ingénieur	مهندس
--	le pompier	آتش نشان
l'avocate	l'avocat	وکیل
la femme de chambre	--	خدمتکار
--	le gérant	مدیر
--	le mécanicien	مکانیک
l'infirmière	l'infirmier	پرستار
la pharmacienne	le pharmacien	داروخانه چی
--	le plombier	لوله کش
--	le policier	پلیس
réceptionniste la	réceptionniste le	مسئول پذیرش
secrétaire la	secrétaire le	منشی
l'étudiante	l'étudiant	دانشجو
--	le professeur	معلم ، استاد
la serveuse	le serveur	پیشخدمت
--	l'écrivain	نویسنده
la fruitière	--	میوه فروش
--	restaurateur le	رستوراندار
la journaliste	--	خبرنگار
stagiaire la	stagiaire le	کار آموز
chanteuse la	chanteur le	خواننده
la potière	potier le	سفالگر
directrice la	directeur le	مدیر مدرسه
l'interpretrice	l'interpreteur	مترجم شفاهی
--	le patron	رئیس کارخانه
--	chauffeur le	راننده
l'élève	l'élève	دانش آموز
--	libraire le	کتاب فروش
la fleuriste	--	گل فروش
--	coiffeur le	آرایشگر
la responsable	--	مسئول
musicienne la	musicien le	نوازنده
la couturière	le tailleur	خیاط
--	locataire le	مستاجر

رنگ ها *Les couleurs*

در زبان فرانسه صفت رنگ بعد از موصوف بکار می رود و از نظر شمار و جنس با موصوف خود مطابقت می کند .

les cheveux noirs موهای سیاه

les robes verts لباسهای سبز

برای پرسیدن رنگ چیزی از سوال زیر استفاده می شود .

est-il De quelle couleur ? چه رنگی است ؟

با سوال فوق بصورت زیر می توان پاسخ داد .

rouge Il est قرمز است

در جدول زیر رنگهای مختلف معرفی شده اند :

رنگ	مفرد مذکر	مفرد مؤنث	جمع مذکر	جمع مؤنث
بنفش	violet	violette	violets	violettes
آبی	bleu	bleue	bleus	bleues
سبز	vert	verte	verts	vertes
زرد	jaune	jaune	jaunes	jaunes
نارنجی	orange	orange	orange	orange
قرمز	rouge	rouge	rouges	rouges
سیاه	noir	noire	noirs	noires
سفید	blanc	blanche	blancs	blanches
خاکستری	gris	grise	gris	grises
قهوه ای	marron	marron	marron	marron
صورتی	rose	rose	roses	roses
آبی روشن	bleu clair	bleu clair	bleu clair	bleu clair
آبی تیره	bleu foncé	bleu foncé	bleu foncé	bleu foncé

طلایی	doré	نقره ای	argenté
روشن	fanné	تاریک	foncé
روشن	clair	تیره	sombre
لاجوردی	azure	آسمانی	ciel

چند مثال :

الیزابت و سیلويا چشمان آبی دارند les yeux bleus Elisabeth et Sylvie ont

لانس آرمسترانگ بلیز کشی زرد را به تن دارد Lance Armstrong porte le maillot jaune

کنید کلیک اینجا تلفظ، تمرین صوتی های فایل دانلود برای

اعداد Les nombres

عدد صفر تنها عددی است که جمع بسته می شود و همچنین عدد یک در زبان فرانسه به صورت مذکر و مؤنث نوشته می شود. مؤنث آن une و مذکر آن un می باشد. حرف R صدای (ق) و (خ) را با هم می دهد و چیزی شبیه (ق) نزدیک به (خ) باید تلفظ شود. در جدول زیر اعداد یک تا بیست به همراه تلفظ آنها آمده است:

zéro	زَـرّ	صفر
un , une	آن ، اون	یک
deux	دو	دو

trois	تخوآ	سه
quatre	كَّتَق	چهار
cinq	سَنَك	پنج
six	سپس	شش
sept	سیت	هفت
huit	ویت	هشت
neuf	نُف	نه
dix	دیس	ده
onze	آنز	یازده
douze	دوژ	دوازده
treize	تُخز	سیزده
quatorze	كَّتَقز	چهارده
quinze	كَّنز	پانزده
seize	سيز	شانزده
dix - sept	دک سیت	هفده
dix - huit	دیزویت	هجده
dix - neuf	دیز نُف	نوزده
vingt	وَن	بیست

اعداد ترتیبی : اعداد ترتیبی از یک تا ده عبارتند از

premier	اولین
deuxième	دومین
troisième	سومین
quatrième	چهارمین
cinquième	پنجمین
sixième	ششمین
septième	هفتمین
huitième	هشتمین
neuvième	نهمین
dixième	دهمین

برخی دیگر از اعداد در زیر آمده است. نکته قابل توجه مربوط به هفتاد و نود می باشد که مثلاً برای هفتاد و یک از یک به همراه هفتاد استفاده نمی شود و به جای آن از یازده استفاده می شود و به همین ترتیب برای هفتاد و دو تا هفتاد و نه از دوازده تا نوزده به همراه هفتاد استفاده می شود.

vingt et un	بیست و یک	trente et un	سی و یک
vingt - deux	بیست و دو	quarante	چهل
vingt - trois	بیست و سه	cinquante	پنجاه
vingt - quatre	بیست و چهار	soixante	شصت
vingt - cinq	بیست و پنج	soixante - dix	هفتاد
vingt - six	بیست و شش	quatre - vingt	هشتاد
vingt - sept	بیست و هفت	un - quatre - vingt	هشتاد و یک
vingt - huit	بیست و هشت	quatre - vingt - dix	نود
vingt - neuf	بیست و نه	quatre vingt onze	نود و یک
trente	سی	quatre vingt douze	نود و دو

و اما اعداد از صد تا هزار و همچنین میلیون و میلیارد عبارت است از

cent	صد	six cents	ششصد
cent un	صد و یک	sept cents	هفتصد
cent deux	صد و دو	huit cents	هشتصد
cent dix	صد و ده	neuf cents	نهصد
cent - vingt	صد و بیست	mille	هزار

cent - trente	صد و سی	mille cent	هزار و صد
cent - quarante	صد و چهل	cent mille deux	هزار و دویست
cent - cinquante	صد و پنجاه	cent mille trois	هزار و سیصد
cent - soixante	صد و شصت	deux mille	دو هزار
cent soixante - dix	صد و هفتاد	cinq mille	پنج هزار
cent quatre - vingt	صد و هشتاد	dix mille	ده هزار
cent quatre vingt dix	صد و نود	mille cinquante	پنجاه هزار
deux cents	دویست	cent mille	صد هزار
trois cents	سیصد	un million	یک میلیون
quatre cents	چهارصد	un milliard	یک میلیارد
cinq cents	پانصد		

ساعت *Heure*

در زبان فرانسه برای پرسیدن ساعت معمولاً از یکی از دو جمله زیر استفاده می کنند که به معنی (ساعت چند است) می باشند

est - il quelle heure ?
quelle heure il est ?

(كِلْ أَقْ اِ تَيْلْ)
(ایل اِ كِلْ أَقْ)

il est une

برای نمونه در جواب به این سوال می گوئیم:
ساعت یک است

heure

il est sept heures

ساعت هفت و پانزده دقیقه است

quinze

il est neuf heures quarante -

ساعت نه و پنجاه و پنج دقیقه است

cinq

در فرانسه مانند زبان فارسی برای بیان کردن ساعت رسمی مثلا در رادیو و تلویزیون از ساعت یک بعد از ظهر به بعد را از سیزده شروع می کنند.

il est treize

ساعت سیزده است

heures

il est dix - huit heures

ساعت هیجده و سی دقیقه است

trente

il est vingt - trois

ساعت بیست و سه است

heures

در زبان فرانسه برای بیان ساعت به طور عامیانه از اصطلاحات **demie** (نیم) و **quart** (ربع) استفاده می شود

(ایل | سیت اُق | اُک)

il est sept heures et quart

ساعت هفت و ربع است

(ایل | سیزق ادمی)

heures et demie il est six

ساعت شش و نیم است

هرگاه بخواهیم مثلا بگوییم (ساعت شش بیست دقیقه کم است) باید از کلمه **moins** (کمتر) استفاده کنیم. در این حالت اگر بخواهیم بگوییم

(ربع کم است) باید از کلمه **Le quart** استفاده کنیم.

(ایل | دیزق موآن ل کق)

il est dix heures moins le quart

ساعت ده ربع کم است

ساعت بیست و پنج دقیقه به پنج است

(ایل | سنک اُف موآن ون سنک)

il est cinq heures moins vingt - cinq

نکته ! در زبان فرانسه ساعت دوازده نداریم و به جای ساعت دوازده ظهر از کلمه **midi** و دوازده شب از کلمه **minuit** استفاده می شود.

(ایل | میدی ون)

il est midi vingt

ساعت دوازده و بیست دقیقه (ظهر) است

(ایل | مینویی)

il est minuit

ساعت دوازده (شب) است

اوقات روز :

در فرانسه اوقات روز به شش قسمت تقسیم می شود که عبارت است از :

بین ساعت ۶ تا ۱۲ صبح	Matin
ساعت ۱۲ ظهر	Midi
بین ساعت ۱۲ ظهر تا ۶ عصر	Après - midi
بین ساعت ۶ عصر تا ۱۲ شب	Soir
ساعت ۱۲ شب	Minuit
از ساعت ۱۲ شب به بعد	Nuit

مثلا برای سلام کردن در **matin** از **bonjour** و در **soir** از **bonsoir** استفاده می شود. برای گفتن شب بخیر در **nuît** (معمولا در هنگام خوابیدن) نیز از **nuît bon** استفاده می شود.

مقالات ادبی

مقالات ادبی ، شعر و داستان هایی به زبان فرانسه قرار داده شده که البته برخی از آنها به فارسی ترجمه شده است.

Etapas

Tu es un enfant

Quand tu ne sais pas ce que tu veux faire dans la vie .

تو یک کودکی ، وقتی نمی دانی میخواهی در زندگی چه کاری انجام دهی

Tu es un adolescent

vie Quand tu as le goût de ne rien faire dans la .

تو یک نوجوانی ، که نمی خواهی هیچ کاری در زندگی ات انجام دهی

Tu es un adulte

Quand tu te demandes pourquoi tu n'as rien fait dans la vie .

تو یک بزرگسالی ، وقتی از خودت می پرسی چرا هیچ کاری در زندگی ات انجام نداده ای

Les trois tamis

Un jour, quelqu'un vint voir Socrate et lui dit :

: روزی شخصی به دیدن سقراط رفت و به او گفت

- coute, Socrate, il faut que je te raconte comment ton ami s'est conduit

گوش کن سقراط باید به تو بگویم که چگونه دوستت رفتار میکند

- tamis interrompit l'homme sage. As-tu passé ce que tu as à me dire à travers les trois ! Arrête ?

مرد دانا حرف او را قطع کرد: صبر کن. آیا چیزی را که میخواهی به من بگویی از سه غربال عبور داده ای؟

Trois tamis ? dit l'autre, rempli d'étonnement

دیگری مملو از حیرت گفت: سه غربال؟

- Oui, mon bon ami : trois tamis.Examinons si ce que tu as à me dire peut passer par les trois tamis.Le contrôlé si tout ce que tu veux me raconter est vrai de la vérité. As-tu premier est celui ?

بله دوست خویم : سه غربال. بیا بررسی کنیم که آن چیزی که تو میخواهی به من بگویی میتواند از سه غربال رد شود.غربال اول حقیقت است. آیا بازبینی کرده ای که آنچه می خواهی به من بگویی حقیقت است؟

- Non, je l'ai entendu raconter et ...

نه شنیده ام که تعریف میکردند و ...

? - celui de la bonté bien. Mais assurément tu l'as fait passer à travers le deuxième tamis. C'est ,Bien .

خوب خوب.خوب تو آن را از غربال دوم میگذرانی.این غربال مهربانیو خوبی است.چیزی که میخواهی به من بگویی حتی اگر کاملاً حقیقت ندارد حد اقل خوب هست؟

au contraire ,Hésitant, l'autre répondit : Non, ce n'est pas quelque chose de bon ...

با تردید پاسخ داد:نه برعکس چیز خوبی نیست

- me raconter le Sage, essayons de nous servir du troisième tamis, et voyons s'il est utile de Hum ! dite me dire ce que tu as envie de ...

آهان دانا گفت: تلاش میکنیم از غربال سوم بگذریم و ببینیم که آیا فایده ای دارد که آنچه را میخواهی بگویی برایم تعریف کنی

- Utile ? Pas précisément ...

فایده ؟ نه دقیقاً

- Eh bien ! dit Socrate en souriant ,

سقراط با لبخند گفت:خوب

te n'est ni vrai, ni bon, ni utile, je préfère ne pas le savoir, et quant à toi, je si ce que tu as à me dire conseille de l'oublier ...

اگر آنچه میخواهی برای من بگویی نه حقیقت دارد نه زیبایی و نه فایده من ترجیح میدهم آن را ندانم و به توهم پیشنهاد میکنم آن را فراموش کنی

le soleil se lève Quand

courir plus vite que le plus Chaque matin, en Afrique, une gazelle se réveille. Elle sait qu'il lui faudra rapide des lions pour rester en vie

هر روز صبح توی آفریقا آهوپی بیدار میشه.میدونه که باید سریع تر از تند رو ترین شیر ها بدوه تا زنده بمونه

vite que la plus lente des Chaque matin, un lion se réveille et sait lui aussi qu'il lui faudra courir plus gazelles s'il ne veut pas mourir de faim

هر روز شیری بیدار میشود و میداند که باید سریع تر از کند ترین غزالها بدود تا از گرسنگی نمیرد

quand le soleil se lève, il vaut mieux courir : Peu importe que l'on soit gazelle ou lion en Afrique

مهم نیست که غزال یا شیر ی در آفریقا باشی.وقتی آفتاب میزنه بهتره بدوی

Un sourire

Un sourire ne coûte rien et produit beaucoup

یک لبخند هزینه ای ندارد اما چیزهای زیادی به وجود میآورد

Il enrichit ceux qui le reçoivent Sans appauvrir ceux qui le donnent

دریافت کننده اش را غنی میکند بدون اینکه بخشنده اش را فقیر سازد

Il ne dure qu'un instant Mais son souvenir est éternel

بیشتر از یک لحظه طول نمیکشد اما خاطره اش جاودان است

pour ne pas le mériter Personne n'est assez riche pour s'en passer Personne n'est assez pauvre

هیچ کس آنقدر ثروتمند نیست که از آن بگذرد و هیچ کس آنقدر فقیر نیست که شایسته آن نباشد

Il crée le bonheur au foyer, Il est le signe sensible de l'Amitié

شادی را در خانه به وجود میآورد نشانه پر احساس دوستی است

découragés Un sourire donne du repos à l'être fatigué, Rend du courage aux plus

یک لبخند آرامش را به فرد خسته میدهد و به دلسردترین افراد شجاعت میبخشد

de valeur Qu'à partir du Il ne peut ni s'acheter, ni se prêter, ni se voler Car c'est une chose qui n'a

où il se donne moment

نمیتوان انرا خرید قرض کرد یا دزدید چرا که این چیزی است که دزدی ندارد که لحظه بخشش آن محل را ترک کند

Et si quelquefois vous rencontrez une personne

و اگر گاهی شما به کسی برخورد میکنید

Qui ne sait plus sourire

که دیگر لبخند زدن بلد نیست

Soyez généreux et offrez-lui le vôtre

بخشنده باشیدو لبخند خودتان را به او پیشکش کنید

Conte chinois

Un mandarin partit un jour dans l'Au-Delà. Il arriva d'abord en

enfer

روزی ماموری عالیرتبه به سوی ماورا به راه افتاد. اول به جهنم رسید

mouraient de faim, mais tous ; Il y vit beaucoup d'hommes, attablés devant des plats de riz
car ils
avaient des baguettes longues de deux mètres et ne pouvaient s'en servir pour se
nourrir
او آنجا مردم بسیاری را دید که جلوی بشقاب های برنج قرار گرفته بودند. اما در نهایت گرسنگی به سر میبردند
چراکه فاشق های بلندی به درازای ۲ متر داشتند و نمی توانستند از آن برای تغذیه استفاده کنند

Puis il alla au Ciel

سپس به بهشت رفت

Là aussi, il vit beaucoup d'hommes attablés devant des plats de riz ; et tous étaient en bonne santé,
car
eux aussi avaient des baguettes longues de deux mètres, mais chacun s'en servait pour nourrir celui
qui était assis en face de lui
آنجا هم افراد زیادی را دید که جلوی بشقاب های برنج بودند و همه در سلامت کامل به سر میبردند آنها هم
قاشق های بلندتری داشتند اما هر کس از آن برای غذا دادن به فردی که روبروی او بود استفاده میکرد

Action

« Le grand but de la vie n'est pas le savoir mais l'action » (Thomas Huxley)

هدف بزرگ زندگی در دانستن نیست در عمل کردن است

« Celui qui se laisse vivre se laisse mourir » (Docteur Pauchet)

کسی که به خود اجازه زندگی میدهد اجازه مرگ هم میدهد

« Tu peux rester immobile dans le courant d'une rivière mais pas dans le monde des hommes »

(Prov. japonais)

تو میتوانی بی حرکت در مقابل جریان رودخانه قرار بگیری اما در دنیای انسانها نمیتوانی - ضرب المثل ژاپنی

« Un con qui marche vaut mieux que dix intellectuels assis » (Jacques Séguéla, *Fils de pub*)

احمقی که حرکت میکند به ۱۰ عاقل نشسته میارزد

« Il faut toujours être botté et prêt à partir » (Montaigne)

همیشه باید پوتین به پا داشت و آماده حرکت بود

« Il faut des actions et non des paroles » (Racine, *Iphigénie*)

عمل لازم است نه حرف

« Pour connaître les hommes, il faut les voir agir » (Rousseau, *Emile*)

برای شناخت مردم باید آنها را در حال حرکت و تلاش ببینی

« L'action n'apporte pas toujours le bonheur mais il n'est pas de bonheur sans action » (B. Disraeli, *Lothar*)

عمل همیشه خوشبختی نمیآورد ولی هیچ خوشبختی بدون عمل به دست نمی آید

« L'eau courante ne se corrompt jamais » (Proverbe chinois)

آب جاری هرگز فاسد نمیشود

« L'action est ce qui crée toutes les grandes réussites. L'action est ce qui donne des résultats »

(Robbins, *Pouvoir illimités*)

عمل کردن آن چیزی است که تمام موفقیت های بزرگ را میآفریند. عمل کردن است که نتیجه به بار می آورد - آنتونی رابینز قدرت نامحدود

« On ne doit pas juger d'un homme par ses grandes qualités, mais par l'usage qu'il en sait faire »

(La Rochefoucauld, *Réflexions ou Sentences et Maximes morales*)

نباید در مورد مردم بر اساس طبیعت و صفات ذاتیشان قضاوت کرد بلکه بر اساس استفاده های که آنها از ظرفیتشان میتوانند بکنند

Devise de Lyautey : « La joie de l'âme est dans l'action »

شادی روح در فعالیت است

« Tout début est difficile mais sans début, pas de fin » (Proverbe allemand)

هر آغازی سخت است اما بدون آغاز پایانی نیست - ضرب المثل آلمانی

« Tout est difficile avant d'être simple » (Th. Fuller, *Gnomologia*)

همه چیز قبل از اینکه آسان شود سخت است

« Bien dire fait rire, bien faire fait taire » (Proverbe français)

کسی که عمل میکند بقیه را به سکوت وا میدارد کسی که حرف میزند بقیه را به خنده وا میدارد

« Les grands diseurs ne sont pas les grands faiseurs » (L. Martel, Recueil des Proverbes français) گوینده های بزرگ عمل کننده های بزرگ نیستند

« La pratique est la seule théorie qui profite » (Daniel Darc, *Petit Bréviaire du Parisien*) تمرین تنها تئوری سودمند است

10 trucs de beauté

1. Pour avoir des lèvres attirantes, prononcez des paroles de bonté
2. Pour avoir de beaux yeux, regardez ce que les gens ont de beau en eux.
3. Pour rester mince, partagez vos repas avec ceux qui ont faim.
4. Pour avoir de beaux cheveux, faites qu'un enfant y passe sa main chaque jour.
5. Pour avoir un beau maintien, marchez en sachant que vous n'êtes jamais seule.
6. Les gens, bien plus que les choses, ont besoin d'être réparés, renouvelés, revigorés, récupérés et rachetés. Ne rejetez jamais quelqu'un.
7. Pensez-y : si un jour vous avez besoin d'une main secourable, vous en trouverez une à chaque bout de vos bras. En vieillissant vous vous rendrez compte que vous avez 2 mains, l'une pour vous aider vous-même, l'autre pour aider ceux qui en ont besoin.
8. La beauté d'une femme n'est pas dans les vêtements qu'elle porte, son visage ou sa façon d'arranger ses cheveux. La beauté d'une femme se voit dans ses yeux, car c'est la porte ouverte sur son coeur, l'endroit où est son amour.
9. La beauté d'une femme n'est pas dans son maquillage, mais dans la vraie beauté de son âme. C'est la tendresse qu'elle donne, l'amour, la passion qu'elle exprime.
10. La beauté d'une femme se développe avec les années.



۱- برای داشتن لب های جذاب کلام محبت آمیز به زبان آورید

۲- برای داشتن چشمان زیبا به زیبایی های مردم و خوبیهای آنها توجه کنید

۳- برای خوش اندام ماندن غذایان را با گرسنگان تقسیم کنید

۴- برای داشتن موهای زیبا بگذارید کودکی هر روز آن را نوازش کند

۵- برای داشتن فرم مناسب در حالی راه بروید که میدانید هرگز تنها نیستید

۶- انسانها بیشتر از اشیا احتیاج به تعمیر نو شدن احیا شدن مرمت شدن ورهاشدن دارند هیچ وقت هیچ کدام را دور نریزید

۷- به خاطر داشته باشید هرگاه به دست یاری نیاز داشتید همیشه یکی در انتهای دست خودتان پیدا میکنید

همین طور که سنتان بالا میرود شما متوجه میشوید که ۲ دست دارید یکی برای کمک به خودتان و یکی برای یاری دیگران

۸- زیبایی یک زن به لباسهایی که میپوشد به صورتش و به مدل مویش بستگی ندارد زیبایی یک زن در چشمانش پدیدار میشود چرا که آنها دروازه های باز قلبش هستند جایی که عشقش جای دارد

۹- زیبایی یک زن در آرایشش نیست بلکه در زیبایی واقعی روحش است مهم این است که او مشتاقانه عشقش را نثار میکند

۱۰- زیبایی واقعی یک زن با گذشت زمان افزایش می یابد

l'enfant L'homme et

Un homme tomba dans un trou et se fit très mal.

روزی مردی داخل چاهی افتاد و بسیار دردش آمد

Un Spiritualiste le vit et dit : Vous avez dû commettre quelque péché.

روحانی او را دید و گفت : حتما گناهی انجام داده ای

Un Scientifique calcula la profondeur du trou.

یک دانشمند عمق چاه را اندازه گرفت

Un Journaliste l'interviewa sur ses douleurs.

یک روزنامه نگار در مورد دردهایش با او مصاحبه کرد

Un Yogi lui dit : Ce trou est seulement dans ta tête, comme ta douleur.

یک یوگیست به او گفت : این چاله و همچنین درد فقط در ذهن تو هستند - در واقعیت وجود ندارند

Un Médecin lui lança deux comprimés d'aspirine.

یک پزشک برای او دو قرص آسپرین پایین انداخت

Une Infirmière s'assit sur le bord et pleura avec lui.

یک پرستار کنار چاه ایستاد و با او گریه کرد

Un Thérapeute l'incita à trouver les raisons pour lesquelles ses parents le préparèrent à tomber dans le trou.

یک درمانگر او را تحریک کرد تا دلایلی را که پدر و مادرش او را آماده افتادن به داخل چاه کرده بودند پیدا کند

Une Praticquante de la pensée positive l'exhorta : Quand on veut, on peut !

یک تمرین کننده فکر مثبت او را نصیحت کرد که : خواستن توانستن است

Un Optimiste lui dit : Vous auriez pu vous casser une jambe.

یک فرد خوشبین به او گفت : ممکن بود یکی از پاهات رو بشکنی

Puis un enfant passa, et lui tendit la main...

سپس کودکی گذشت و دست او را گرفت و او را از چاه بیرون آورد

Chance ou malchance ?

Il y avait en Chine, un vieux cultivateur qui possédait un vieux cheval pour labourer son champ. Un jour, le cheval s'enfuit dans les montagnes et tous les voisins vinrent sympathiser avec le vieil homme à cause de sa malchance. Mais il leur dit:

روزی روزگاری کشاورز پیری در چین زندگی میکرد که اسب پیری داشت که کارهای مزرعه اش را انجام میداد. یک روز اسب به کوهستان ها فرار کرد و تمام همسایه ها آمدند تا با پیر مرد به خاطر بد شانسی اش همدردی کنند. اما او به آنان گفت

- Chance ou malchance, qui peut le dire?

شانس یا بد شانسی چه کسی میتواند بگوید؟

Une semaine plus tard, le cheval revint des montagnes emmenant avec lui une horde de chevaux sauvages et alors les voisins vinrent le féliciter à cause de sa chance. Il leur dit encore:

یک هفته بعد اسب از کوهستان برگشت در حالی که با خودش یک گله اسب وحشی آورده بود و همه همسایه ها آمدند تا به خاطر شانسیش به او تبریک بگویند. او باز هم به آنان گفت

- Chance ou malchance, qui peut le dire?

شانس یا بد شانسی چه کسی میتواند بگوید؟

Puis, alors que son fils essayait de dompter les chevaux sauvages, il tomba et se cassa une jambe. Tout le monde y vit de la malchance. Mais pas le cultivateur qui leur dit une fois de plus:

بعد زمانی که پسرش میخواست آن ها را تربیت کند زمین خورد و پایش شکست. همه آن را به عنوان یک بد شانسی میدیدند. اما نه کشاورز که هنوز هم میگفت

- Chance ou malchance, qui peut le dire?

شانس یا بد شانسی چه کسی میداند؟

Quelques semaines plus tard, l'armée arriva dans le village et tous les jeunes aptes à faire la guerre furent conscrits. Quand les officiers virent le fils du cultivateur avec sa jambe cassée, ils le laissèrent libre. Était-ce une chance ou une malchance Qui peut le dire?

چند هفته بعد ارتش به دهکده آنان رسید و تمام جوانان مستعد جنگیدن را آزمایش میکردند. هنگامی که افسران سپاه پسر کشاورز را با پای شکسته اش دیدند او را آزاد گذاشتند. آیا این شانس بود یا بد شانسی چه کسی میتواند بگوید (اند فلسفه)

Tout ce qui apparaît comme une malchance peut-être une chance déguisée. Et ce qui apparaît comme une chance, peut être une malchance déguisée. Nous sommes donc sages quand nous laissons à Dieu de décider de ce qui est bon et de ce qui est mauvais, et nous Le remercions de ce que toute chose finit par être changée en bien pour ceux et celles qui L'aiment.

تمام چیز هایی که به عنوان بد شانسی ظاهر میشود ممکن است یک شانس پنهان باشد. و چیزهایی که شانس به نظر میرسد ممکن است بد شانسی مخفی باشد. بنابراین ما خیلی دانا هستیم اگر به خدا اجازه دهیم که تصمیم بگیرد چه چیز خوب و چه چیز بد است. و از او تشکر کنیم که همه چیز به بهترین نحو برای کسانی که او را دوست دارند پایان میپذیرد



Ne pleure pas

Ne pleure pas, mon amour, ne pleure pas, déjà
La nuit descend, mon amour, la nuit descend, tout bas
Mais cette fois, tu le sais, je dormirai sans toi
Ce sera long, mon amour, j'aurai peut-être froid

Tu avais les yeux dans le ciel
Aux couleurs d'un chemin d'étoiles
Et j'ai sombré jusqu'à plus rien

Dans le source au creux de tes mains

A trop aimer le vent où se brisent les ailes
J'ai traversé les mots pour aller jusqu'à toi
Voulant vivre comme toi, comme on vit de soleil
Mais c'est fini tu vois et j'ai tant sommeil

Ne pleure pas, mon amour, ne pleure pas déjà
La nuit descend, mon amour, la nuit descend, tout bas
Tu trouveras, je le sais, d'autres chemins que moi
Tu t'es trompé, mon amour, je peux mourir sans toi !

Tu disais : la vie nous va bien
Nous aurons des années lumières
Beaucoup d'amour, un peu de pain
Des enfants, plus beaux qu'un " je t'aime "

Je préférerais la nuit, j'aimais trop le mystère
Mes pas s'arrêtent ici, continue, solitaire
Je vais dormir là-bas, comme on dort en hiver
Mais c'est fini tu vois, et j'ai tant sommeil !

Par l'émoi

Parlez-moi d'un instant griffonné sur son ciel
De ce temps reflétant l'encrier, l'essentiel .
Juste un mot de ses yeux, de mon encre, inondés
Quand pleuvent amoureux mes doigts sur le papier.

De ses larmes de joie tapies au creux de Nous
Quand le corps nous envoie ses rêves les plus fous
Aux sourires, l'envie, sur ses lèvres, l'ivresse
Qui colorent ma vie de rondeaux de tendresse.

Par l'émoi de nos vœux sur des pages d'espoir
Naissent les désireux, tant de songes le soir
D'un futur de quatrains dans un bain de sépia
Transpiré de ses mains pour me peindre l'aura.

Il a ce petit " Tout" qui éteint tous mes " Rien"
Dans un flot qui se joue sur un air de besoins.
Paupières alanguies au sommet de sa voix
Retiennent en nos vies la douceur de nos choix.

Par les mois disparus dans les jours accordés
Lorsque sont apparus les desseins de s'aimer
J'ai acquis sans repos le trépas des remords,
De la froideur des maux d'un passé sans accords.

Il a pris mon chemin juste au creux de sa foi

Y soufflant lendemain en douceur de ses bras.
Parlez-moi de l'Amour qui m'unit à son ciel
Par l'émoi de nos jours embrassant l'éternel.

واژه های مشترک بین فرانسه و ایران

واژه‌های دارای ریشه فرانسوی که در زبان فارسی معمول شده‌اند و بصورت وامواژه‌هایی درآمده‌اند، به فراوان یافت می‌شوند. دلیل آن شاید به دوران قاجار برگردد که عمده‌ی روابط ایران و غرب، با فرانسویان بوده‌است. برخی از این کلمات و معادل فرانسوی آن در زیر فهرست شده‌اند:

الف

- اورژانس (urgence)
- ادکلن (de cologne eau)
- اوریون (oreillons) بیماری اوریون یا گوشک که از oreille که به معنی گوش است آمده است.
- اپل (épaule) به معنی شانه
- اپیدمی (épidémie)
- ایده (idée)
- اتیکت (étiquette)
- آباژور (abat-jour)
- اشانتیون (échantillon) به معنی نمونه
- آبسه (abcès) به معنی چرک و ورم چرکی
- اشل (échelle) به معنی نردبان
- آژان (agent)
- اکران (écran)
- آژانس (agence)
- اکیپ (équipe)
- آسانسور (ascenseur)
- املت (omelette)
- آلرژی (allergie)
- اُورت (ouvert) به معنی باز (open).

• آوانتاژ (avantage) به معنی فایده و منفعت است.

• آوانس (avance)

• آمپول (ampoule)

• آناناس (ananas)

• آنکادر کردن (encadrer)

ب

• بن ساله (salé bon) به معنی خوش نمک

• بوروکراسی (bureaucratie) که از ریشه bureau به معنی میز و دفتر کار ایجاد شده است.

• بوفه (buffet)

• بولتن (bulletin)

• بیسکویت (biscuit) به معنی دوبار پخته شده bis به معنی دوباره و cuit به معنی پخته شده است!

• بیگودی (bigoudis)

• باکتری (bactérie)

• بالکن (balcon)

• بانداز (bandage)

• بلیط (billet) که در زبان فرانسه "بیه" تلفظ می‌شود

• برس (brosse)

• بروشور (brochure)

• بلوز (blouse)

پ

• پانسمان (pansement)

• پاپیون (pavillon)

• پروژه (projet)

• پروسه (process)

• پاپیون (papillon) به معنی پروانه

• پاتیناژ (patinage)

• پاساژ (passage)

• پاندول (pendule)

• پورتفوی (portefeuille) به معنی کیف اسناد و کیف پول است.

• پونز (punaise)

• پوئن (point) به معنای امتیاز

• پیژامه (pyjama)

• پیست (piste)

• پلاک (plaque)

• پلاکارد (placard) به معنی پوستر و نیز به معنی کابینت است plat به معنی بشقاب یا ظرف مسطح است.

• پماد (pommade)

• پنس (pinces)

ت

• تومور (tumeur)

• تیره یا خط تیره (tiret)

• تیراژ (tirage)

• تابلو (tableau)

• تن (ماهی) (thon)

• توالت (toilette)

د

• دز (dose)

• دوش (douche) فعل se doucher به معنای دوش گرفتن است

• دیسک (disque)

• دیسکت (disquette)

ر

• رفوزه (refusé)

• روبان (ruban)

• روبدشامبر (de chambre robe) به معنی لباس خانه.

• رادیاتور (radiateur)

• رژیم (régime)

• رفراندوم (référendum)

ژ

• ژانر (genre)

• ژامبون (jambon) از واژه jambe به معنی ساق پا گرفته شده است.

• ژورنال (journal) به معنی روزنامه. jour
به معنی روز است.

• ژبله (gilet)

• ژست (geste)

• زله (gelée)

• ژوپ (jupe) به معنی دامن و minijupe
به معنی دامن کوتاه است.

س

• سنکوپ (Syncope)

• سوتین (gorge soutien)

• سوژه (sujet)

• ساتن (satin)

• سالن (salon)

• سس (sauce)

ش

• شوالیه (chevalier) به معنی اسب
سوار و Cheval به معنی اسب است

• شوسه (chaussée) به معنی جاده و
سواره رو است و chaussure به معنی
کفش است.

• شوقاژ (chauffage)

• شوفر (Chauffeur)

• شومینه (cheminée)

• شاپو (chapeau)

• شارلاتان (charlatan)

• شاسی (châssis)

• شال (châle)

• شانس (chance)

• شانناژ (chantage) ریشه آن فعل
chanter به معنی آواز خواندن است

ص

• صابون (savon)

• صندل (sandale)

ط

• طلق (talc)

ف

• فابریک (fabrique) به معنی کارخانه

• فلش (flèche)

• فویل (feuille) به معنی ورقه یا برگه.

ک

• کریدور (corridor)

• کاپوت (capot)

• کلیه (Collier) به معنی گردن‌بند و cou
به معنی گردن است.

• کارتابل (cartable) به معنی کیف
مدرسه

• کمدی (comédie)

• کاسکت (Casquette)

• کنسانتره (concentré)

• کافه (café)

• کنسرو (conservé)

• کافه گلاسه (glacé café)

• کنسرواتور (conservateur) به معنی
نگهبان و محافظ است

• کامیون (camion)

• کنکور (concours)

• کامیونت (camionnette)

• کودتا (État'd Coup)

• کاناپه (canapé)

• کوران (courant) به معنی جریان بیشتر
برای جریان هوا به کار می‌رود.

• کتلت (côtelette) از واژه côte به معنی
دنده بوجود آمده است.

• کورس (course)

• کراوات (cravate)

• کوسن (coussin) به معنی نازبالش

• کرسِت (corset)

ک

ل

- گارسون (garçon)
- گیشه (guichet)
- لیسانس (licence)
- لژ (loge)
- لوستر (lustre)
- گاراژ (garage) از فعل garer به معنی نگهداشتن یا پارک کردن گرفته شده است

م

- مامان
- مانتو (manteau)
- مانکن (mannequin)
- مایو (maillot)
- مبیل (meuble)
- مرسی (merci)
- مزون (maison) به معنی خانه است
- مغازه (magasin) خود در اصل از عربی مخزن.
- موزه (musée)
- موکت (moquette)
- میزانشن (scene en mise)
- میلیارد (milliard)

ن

- نایلون (nylon)

و

- وانیل (vanille)
- ویتامین (vitamine)
- ویتترین (vitrine)